

فصلنامه
دانشجویی
حقوقی انصاف

شماره چهاردهم
تابستان ۱۴۰۳

انصاف

نشریه علمی دانشجویی انصاف

سازمان جهانی تجارت؛

ساختار و اصول حقوقی بنیادین

سقوط به اعماق عدالت؛

تحلیل پیچیدگی‌های قانونی و اجتماعی در فیلم «آناتومی یک سقوط»

مطالعه هوش هیجانی و نسبت آن با ارتکاب جرم

بررسی مجازات اعدام در نظام حقوقی ایران و ایالت متحده آمریکا

به صاحب امتیازی انجمن علمی دانشجویی
حقوق دانشگاه الزهراء (س)



پیشگام

به همراه مسابقه
آزمونی

با اعطای هدیه از طرف
موسسه حقوقی مشاهیر دانش

سخن حقوقدان

“ رویدادها

مفتخریم قبولی دانشجویان حقوق دانشگاه الزهراء(س) را در مقطع کارشناسی ارشد اعلام نماییم. تلاش شما در این مسیر موجب مباهات است و از اینکه با شایستگی تمام به این موفقیت دست یافته اید خرسندیم. نشریه انصاف صمیمانه قبولی شما در این مقطع را تبریک عرض می نماید و موفقیت های علمی روز افزون را برای شما آرزومند است.

“ قبولی های ارشد:



نرگس پناهنده
تجارت بین الملل بهشتی



روشنک پاسبانی
تجارت اقتصادی بین المللی دانشگاه تهران



ستاره مرادی
حقوق بین الملل دانشگاه علامه



مریم امینی
حقوق بشر دانشگاه تهران



اسرا ایرانشاهی
نفت و گاز تهران پردیس



یگانه کریمی مقدم
حقوق خصوصی دانشگاه رشت



ریحانه فلاح
جزا و جرم شناسی پردیس بهشتی



مبینا فتائی
جزا و جرم شناسی تربیت مدرس روزانه



سارا رضایی
حقوق ارتباطات دانشگاه علامه

محدثه احمدیان
جزا و جرم شناسی پردیس بهشتی



مرضیه خاوری
تجارت بین الملل دانشگاه علامه



“ خبر خوب!

نشریه انصاف در نظر دارد در هر شماره مطالب ارسالی را در دو بخش خلاقانه ترین تیتر و بهترین متن مورد ارزیابی قرار دهد و به برگزیدگان، وجه نقد + اعتبار شرکت در برنامه های انجمن هدیه اعطا نماید. ضمن آنکه از طرف معاونت فرهنگی گواهی معتبر نیز در خصوص اعطا خواهد شد. در صورت هرگونه پرسش در این مورد می توانید به راه های ارتباطی مندرج در فهرست مراجعه نمایید.

فهرست

۴ [سرمقاله](#)

۵ [یادداشت استاد مشاور](#)

۶ [مطالعه هوش هیجانی و نسبت آن با ارتکاب جرم](#)

۹ [سازمان جهانی تجارت؛ ساختار و اصول بنیادین](#)

۱۳ [دست به دست هم دهیم برای قتل! تحلیل حقوق اتانازی](#)

۱۷ [تحلیل حقوقی پوست شیر](#)

۲۰ [بررسی مجازات اعدام در نظام حقوقی ایران و ایالت متحده آمریکا](#)

۲۳ [سقوط به اعماق عدالت](#)

۲۵ [وضعیت مسئولیت مدنی پزشک در صورت اخذ براءت](#)

۲۷ [نقش قرارداد های حقوقی در موفقیت پروژه های انتقال تکنولوژی](#)

۳۶ [مطالعه تطبیقی طلاق توافقی در ایران و فرانسه](#)

۴۰ [تحلیل فقهی و حقوقی تعدد زوجات و شرایط آن در قوانین فعلی](#)

۴۵ [شلاق؛ تنبیهی ناکارآمد یا مجازاتی کاری؟](#)

۴۷ [سخن حقوقدان](#)

۴۹ [مسابقه آزمونی](#)



بسم
الله
الرحمن
الرحیم

شناسنامه

◀ صاحب امتیاز:

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه الزهراء(س)

◀ مدیر مسئول:

فاطمه عموزاده معلم

◀ سردبیر:

عارفه علی نژاد

◀ استاد مشاور:

خانم دکتر خدیجه مظفری

◀ ویراستاران محتوایی:

زهرا نظری، عارفه علی نژاد

◀ ویراستاران نگارشی:

میینا آنجفی، زهرا نظری

◀ نویسندگان این شماره:

میینا نداف، سلاله خوش باش، فاطمه راستگو، الناز شهبازی،

مهدیسا حدادی، نگار حسنی، علی موحدی، حنانه ترابی و روزان

امیربان، سپیده حاجی عزیزی، افسانه حاجیلو، حدیث بیاتی

◀ طراحی جلد و صفحه آرایی:

مصطفی بهمن آبادی

راه های ارتباطی

Ensaf_mag ☑

Anjomanelmihogoog96 ☑

Alz_law_community ☑

alzlawassociation@gmail.com

راه ارتباطی مدیر مسئول Fatemeh_amuz

راه ارتباطی با سردبیر ArefeIn

آدرس: تهران، ونک، ده ونک، دانشگاه الزهراء(س) اداره کل امور فرهنگی دانشگاه الزهراء(س)

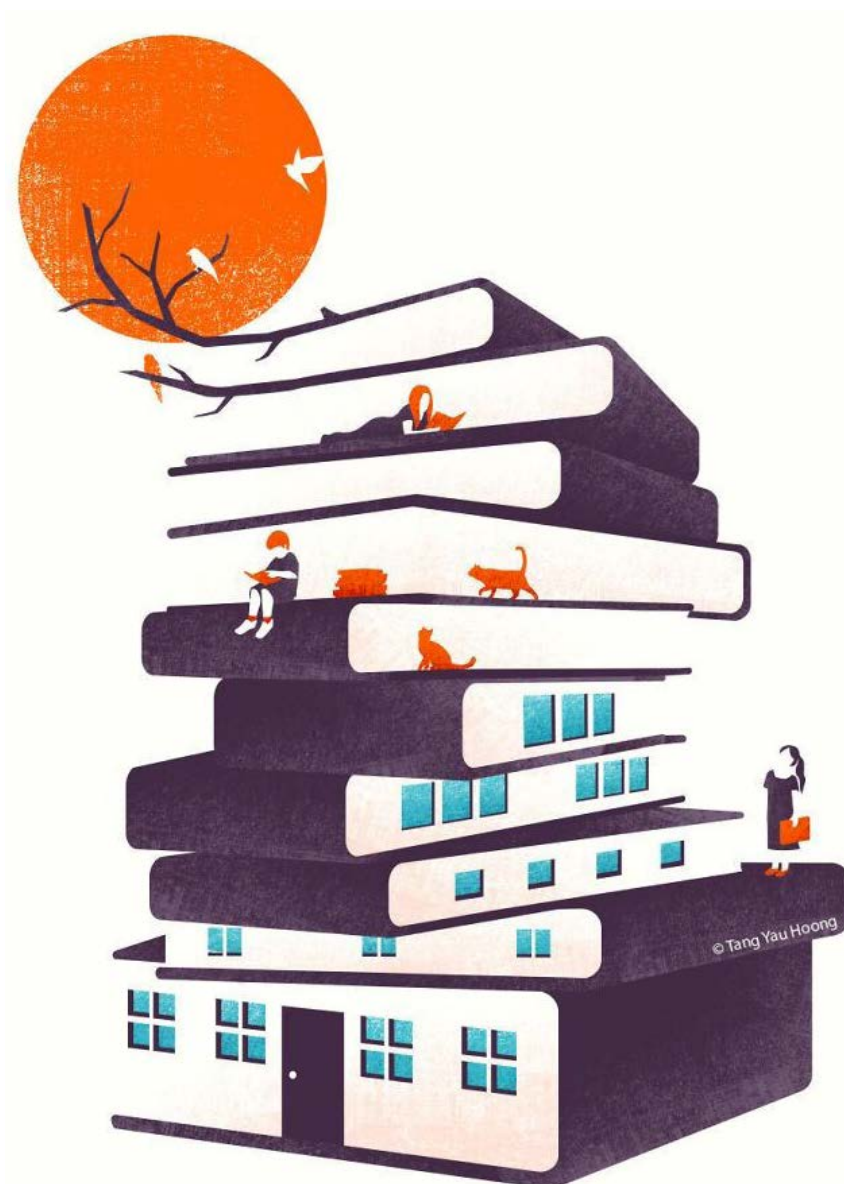
سرمقاله

۶۶ در فضیلت پژوهش



فاطمه عموزاده

مدیر مسئول



موجود در زمینه های مختلف اعم از حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و... بر آن است تا با ارائه راه حل هایی جهت حل مسائل گام بردارد و بدین ترتیب نقش موثری در ایفای جامعه ایفا کند.

جامعه ی دانشجویی به منزله ی مهم ترین رکن در تحقق این امر، ایفای نقش می کند. به گونه ای که وجود این جامعه وابسته به پژوهش است؛ آنچه که دانش جو را از دانش آموز متمایز می سازد و به آن رکن مستقلى می دهد. به واقع پژوهش به عنوان نبض جامعه دانشجویی به آن حیات می بخشد.

نشریات علمی دانشجویی در این راستا، زمینه ای فراهم می آورند تا عرصه ای جهت انتشار دستاوردهای پژوهشگران باشند تا ضمن انتشار مطالب علمی، در زنده نگه داشتن این امر مهم نقش موثری ایفا کنند.

حرکت در مسیر علم و آگاهی همواره مورد توجه انسان بوده است. در راستای گام نهادن در این مسیر، آموزش به منزله ابزاری ضروری اهمیت می یابد؛ لیکن باید توجه داشت که صرف اتکای به آن، موجب سکون دانش خواهد شد و مجالى برای پویایی جامعه فراهم نخواهد کرد.

به کارگیری دستاوردهای بدست آمده از پژوهش و تلاش جهت افزایش آن، موجبات پیشرفت در جامعه را می گستراند. در حقیقت با گشودن مرزهای دانش و دست یابی به علوم جدید می توانیم بگوییم در مسیر آینده روشن در حال حرکت هستیم. این امر مهم محقق نخواهد شد مگر با تحقیق و پژوهش. پژوهشگر در راستای حل چالش های پیش آمده و پرکردن خلاهای

۶۶ برای ورودی های خوب ۱۳۹۹



خانم دکتر خدیجه مظفری
عضو هیئت علمی حقوق دانشگاه
الزهرا (س) و استاد مشاور

دوران کرونا بود و عصرهای چهارشنبه، حقوق مدنی دو می گفتم برای شما که تنها نام هایی بودید بر صفحه نمایش و تا زمان بگذرد و پا به دانشگاه بگذارید، بسیار از نام فراتر رفته بودید و اینک که دانش آموخته اید، احساس می کنم نام هایی حک شده بر قلب و جان شده اید.

شما را با شوق فراوان به یادگیری و سعی بسیار در آموختن به یاد می آورم. امیدوارم و البته می دانم که شاهد درخشش تمامی شما در آینده ای نزدیک بر تارک جامعه حقوقی ایران خواهیم بود و با افتخار از شاگردانی یاد خواهیم کرد که از استاد فراتر رفته اند.

بدانید که من نیز از شما درس همدلی، محبت و احترام آموختم. باشد که روزی در ستایش نام یکایک شما دوباره بنویسم...

ارادتمند شما

خدیجه مظفری

چند دقیقه مانده به پاییز ۱۴۰۳



“ مطالعه هوش هیجانی و نسبت آن با ارتکاب جرم

◀ هوش از جمله متغیرهای روانشناختی است که در طول تاریخ علم روان شناسی همواره تعاریف گسترده و گوناگونی توسط اندیشمندان و روانشناسان درمورد آن مطرح شده است، هوارد گاردنر هوش را توانایی حل مسئله یا راه حل آفرینی می داند که در یک بافت فرهنگی ارزشمند است. گاردنر از توانایی های متمایزی سخن می گوید که تحت عنوان "هوش های نه گانه گاردنر" دانسته می شوند و عبارتند از: هوش زبانی، هوش منطقی-ریاضی، هوش موسیقی، هوش فضایی، هوش بدنی-عضلانی، هوش میان فردی، هوش درون فردی، هوش طبیعی و هوش وجود گرا. آندرسن در نظریه رشد شناختی خود هوش را سازوکاری مرکب از دو بخش پردازش پایه ای و اختصاصی می داند که با تفکر گزاره ای و عملکرد فضایی و دیداری سرو کار دارد. همچنین آلفرد بینه که نخستین آزمون نزدیک به آزمون های هوش فعلی را طراحی کرد، در تعریف از هوش، به قضاوت درست اشاره می کند.

◀ بررسی، مطالعه و تلاش جهت سنجش سازه هوش در تاریخ علم روان شناسی و روان سنجی سابقه ای طولانی دارد؛ نخستین شخصی که تلاش کرد برای سنجش توانایی های هوشی افراد آزمون هایی طراحی کند، فرانسویس گالتن طبیعی دان انگلیسی بود که پس از بررسی نظریه تکاملی داروین به تفاوت های فردی انسان ها علاقمند شد و از این رو آزمون هایی را برای بررسی مهارت های حسی طراحی کرد. سال ها پس از او لوئیس ترمن ویراست استنفوردی آزمون های هوش آلفرد بینه را هنجاریابی و منتشر کرد. هوش مفهومی وسیع و گسترده در علم روانشناسی است که تأثیری انکارناپذیر در تمامی ابعاد زندگی انسان ها دارد. ما به کمک هوشبهر (IQ) و در کنار سطح عملکرد سازگاران، کودکان را غربال می کنیم و درباره معلولیت ذهنی و به تبع لزوم دریافت آموزش های ویژه و تخصصی یا عدم لزوم تخصیص آن ها تصمیم گیری می کنیم.

◀ هوش هیجانی (EQ) نوع متفاوتی از هوش است که در ابتدا مورد توجه گاردنر قرار گرفت؛ گاردنر و پیروان نظریه هوشی او قائل به این موضوع بودند که مفاهیم پیشین هوشبهر تنها محدوده مهارت کلامی و ریاضی را شامل می شود، استرنبرگ، سالوی و



◀ سپیده حاجی عزیز

دانشجوی همزمان دو کارشناسی
روان شناسی و حقوق دانشگاه
الزهراس

گلمن از جمله روان شناسانی هستند که هوش را از منظری وسیع تر می نگرند و نقش اساسی هوش فردی یا هوش هیجانی را در جهت کسب موفقیت در ابعاد گوناگون زندگی مطرح می سازند. گلمن با طرح پژوهش هایی به ویژه در زمینه مغز و رفتار نشان می دهد در کنار هوشبهر عوامل دیگری نیز برای کسب موفقیت اثرگذارند. نوعی از هوش که گلمن آن را هوش هیجانی می نامد شامل ۵ مؤلفه است: خودآگاهی و کنترل تکانشگری/ پایداری/ انگیزش/ همدلی و مهارت های اجتماعی. تاکنون پژوهش های بسیاری در زمینه هوش هیجانی صورت گرفته و حکایت از اثرگذاری فراوان آن در موضوعات گوناگون دارد؛ برای مثال هوش هیجانی با تاب آوری ارتباط دارد، عاملی که خود با مشارکت مرتبط است و عملکرد تحصیلی بهتری را به دنبال دارد. هوش هیجانی بر یادگیری زبان

انگلیسی نیز اثرگذار است و نقش مهمی در فراگیری سخن گفتن دارد. فردی که هوش هیجانی بالایی دارد سطح استرس پایین تری را تجربه خواهد کرد و عملکرد بهتری در فرآیند تصمیم گیری خواهد داشت. اما چه ارتباطی بین هوش هیجانی و ارتکاب جرم قابل تصور است؟ آیا می توان رابطه ای بین هوش هیجانی و انجام اعمال مجرمانه شناسایی کرد؟ جرم نیز از جمله مفاهیمی است که تعاریفی گوناگون پیرامون آن مطرح شده است؛ برای مثال، از منظر اخلاق جرم رفتاری مغایر با قاعده اخلاقی دانسته می شود، دورکیم جامعه شناس فرانسوی جرم را عملی می داند که شعور جمعی را مورد صدمه قرار می دهد و در نهایت از منظر حقوقی و مستند به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل دانسته می شود که در قانون جرم انگاری شده و

برای آن مجازاتی تعیین شده است. یافته های حاصل از تحقیقات گوناگون در مورد رابطه هوش هیجانی و ارتکاب جرم حاکی از آن است که هوش معنوی و هیجانی افراد زندانی رقم پایینی را به خود اختصاص می دهد؛ به عبارتی هوش هیجانی و هوش معنوی پایین در بروز جرم اثرگذار است. در پژوهشی که از سوی مرکز تحقیقات پزشکی قانونی استان فارس در سال ۹۴ انجام شد نتایج به دست آمده نشان داد که مجرمین کمتر از ۱۸ سال در مجموع هوش عقلانی، هیجانی و مؤلفه تنظیم هیجان پایین تری نسبت به افراد غیر مجرم داشتند؛ همچنین بین نمره هوش هیجانی مجرمان با نوع جرم ارتكابی تفاوت معناداری وجود دارد و ضعف مجرمان در کنترل هیجانات و عواطف منجر به تفاوت در نوع جرم ارتكابی و سلامت روان آنان شده است. به همین جهت با توجه به اهمیت بسیاری که



هوش هیجانی و مؤلفه های آن همچون خودآگاهی و کنترل تکانشگری، همدلی و انگیزش در روابط انسانی، محیط تحصیل و اشتغال، زندگی روزمره و به طور کلی کسب موفقیت در تمامی ابعاد زندگی دارد، لازم است تلاش فراوانی در جهت آموزش به منظور بهبود و ارتقاء هوش هیجانی و عوامل سازنده آن صورت گیرد تا با افزایش توانایی افراد در کنترل هیجانات خویش، مدیریت بحران ها، خودآگاهی و به تبع افزایش تاب آوری میزان احتمال جرایم ارتكابی کاهش پیدا کند و وضعیتی پویا، سازنده، بهینه و در عین حال متعادل در تمامی حیطه های زندگی شکل گیرد.

منابع

Ademi, M., P. Afendouli, and P. Louka. "The correlation between perceived stress, emotional intelligence and decision making: A multiple linear regression analysis." *Dialogues in Clinical Neuroscience & Mental Health* 5, no. 4 (2022): 149-160.

Ang, Wei How Darryl, and Ying Lau. "Trait emotional intelligence as a predictor of resilience among undergraduate nursing students: A structural equation modelling approach." *Nurse Education Today* 136 (2024): 106132.

Guillen, Marta Estrada, Diego Monferrer Tirado, and Alma Rodriguez Sanchez. "The impact of COVID-19 on university students and competences in education for sustainable development: Emotional intelligence, resilience and engagement." *Journal of Cleaner Production* 380 (2022): 135057.

Zarezadeh, Tayebbeh. "The effect of emotional intelligence in English language learning." *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 84 (2013): 1286-1289.

آراسته، عبدالسعید، آراسته، آرش. بررسی همزمان هوش معنوی و هوش هیجانی در میان مرتکبین قتل عمد در زندان مرکزی یاسوج و تحلیل حقوقی و روانشناختی آن، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۶-۱، ۱۳۹۹

پاشا، شریفی، حسن، شریفی، نسترن، اصول روان سنجی و روان آزمایی، چاپ یازدهم، رشد، ۱۳۹۹
جعفری، مجتبی، مقدمه علم حقوق کیفری، چاپ سوم، میزان، ۱۳۹۹

دالکی، شهره، ذاکری نیا، الهه، غلامزاده، سعید، ملک پور عبدالرسول، مقایسه میزان هوش عقلانی، هوش هیجانی و مولفه تنظیم هیجان در افراد مجرم و غیرمجرم زیر ۱۸ سال متقاضی حکم رشد در اداره کل پزشکی قانونی استان فارس در سال ۱۳۹۴، مجله پزشکی قانونی ایران، ۶۹-۷۴، ۱۳۹۶
رضوی، عبدالحمید، نظیری، قاسم، بررسی هوش هیجانی مجرمان زندانی بر اساس نوع جرم و رابطه آن با سلامت روان، مجله مهندسی فرهنگی، ۵۷ و ۵۸، ۷۳-۵۹، ۱۳۹۰
قانون مجازات اسلامی

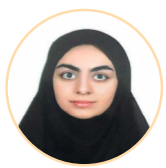
گلמן، دانیل، هوش هیجانی، پارسا، نسرین، چاپ دوازدهم، رشد، ۱۳۹۷

گنجی، مهدی، روان شناسی کودکان استثنائی، چاپ یازدهم، ساوالان، ۱۴۰۰

نولن هکسما، سوزان، فردریکسون، باربارا ل، لافتوس، جفری، واگنار، ویلم ای، زمینه روان شناسی اتکینسون و هیلگارد، ارجمند، محسن، رفیعی، حسن، چاپ اول، ارجمند، ۱۳۹۲



« سازمان جهانی تجارت؛ ساختار و اصول حقوقی بنیادین



◀ سلاله خوش باش

دانشجوی حقوق

دانشگاه الزهرا (س)

◀ طی دهه ۸۰ میلادی به ویژه در نیمه دوم بسیاری از کشورهای در حال توسعه به سوی خصوصی سازی، کاهش دخالت های دولت در امور اقتصادی، مقررات زدایی، آزادسازی تجارت، بین المللی کردن رفتارهای اقتصادی، تلاش جهت جذب سرمایه های خارجی و به طور کلی به حاکم کردن عناصر اقتصاد در بازار روی آوردند. این تحولات ساختاری و رویه های اقتصادی در محیط اقتصاد سیاسی بین الملل، زمینه ساز آغاز مذاکرات دوراروگوئه (۱۹۸۶) و تشکیل سازمان جهانی تجارت بود.

◀ این سازمان تنها سازمان بین المللی است که در ارتباط با قواعد و مقررات تجارت خارجی کشورهای مختلف می باشد. این سازمان، جایگزین توافقنامه کلی تعرفه ها و تجارت (کات) که از سال ۱۹۴۷ وجود داشت شده است. اهداف این سازمان که در مقدمه توافقنامه موسس سازمان جهانی تجارت تصریح شده عبارت است از: توسعه استانداردهای زندگی، تامین شرایط اشتغال کامل، افزایش مداوم درآمد خالص و تقاضای موثر، استفاده کامل و بهینه از منابع جهانی و توسعه تولید و مبادله کالا و تجارت خدمات.

◀ اولین و مهمترین رکن این سازمان، نشست یا کنفرانس وزیران می باشد که متشکل از وزیران بازرگانی کشورهای عضو WTO یا وزیرانی است که مسئولیت امور تجارت خارجی را در این کشورها بر عهده دارند. این نشست دست کم هر دو سال یکبار برگزار می شود و وظیفه نظارت بر حسن انجام وظایف سازمان را برعهده دارد.



◀ شورای عمومی دومین رکن مهم WTO است که به عنوان قلب سازمان انجام وظیفه می‌کند؛ چرا که عهده دار تمامی امور جاری و روزمره سازمان می‌باشد و از سوی کنفرانس وزیران و در فاصله بین اجلاس، تمامی امور مربوط به سازمان جهانی تجارت را انجام می‌دهد. مطابق با موافقتنامه تاسیس سازمان، این شورا در سه شکل الف) شورای عمومی، ب) هیات حل و فصل اختلاف، ج) هیات بررسی سیاست تجاری ایفای نقش می‌کند.

◀ بیرخانه سازمان جهانی تجارت در شهر ژنو سوئیس مستقر است و مسئولیت انجام امور اداری سازمان را بر عهده دارد. تمامی فعالیت‌های مربوط به مذاکرات الحاق اعضای جدید و ارائه مشورت‌های لازم به کشورهای متقاضی عضویت، در دبیرخانه WTO صورت می‌پذیرد.

◀ با توجه به اهداف سازمان جهانی تجارت که پیش تر گفته شد، اگر بپذیریم هدف غایی توافقنامه موسس سازمان جهانی تجارت آنگونه که در مقدمه آمده است، به طور کلی بهبود و توسعه رفاه زندگی مردم کشورهای مختلف می‌باشد، حصول این هدف در تجارت آزاد در سطح جهان دیده شده است. برای این منظور سه اصل بسیار وسیع و گسترده در کنار هم پذیرفته شده و حاکم بر تجارت خارجی و داخلی است:

۱. «اصل الغای کلیه تبعیض‌های تجاری»

◀ در این خصوص اصولی مانند اصل رفتار ملی (عدم تبعیض میان تولیدات داخلی و خارجی)، اصل دول کامله الوداد (عدم تبعیض میان کشورهای متعاقد) و منع اصولی اعطای یارانه و مساعدت به کالاهای داخلی در برابر کالاهای خارجی به کار گرفته می‌شوند.

۲. «اصل منع محدودیت در جریان تجارت»

◀ برای نیل این مقصود، الزام به کاهش تعرفه‌ها و سلب حق افزایش آنها، منع سهمیه‌بندی واردات و صادرات و منع وضع مالیات و عوارض گمرکی بیش از حد برای ورود کالا به کشور پیش بینی شده است.

این تعهد عدم تبعیض بین کشورهای عضو، غامض و پیچیده است و می‌تواند در موارد بسیاری باعث نقض توافقنامه شود، زیرا که رفتار تجاری مساوی با کشورهای مختلف که روابط سیاسی و اجتماعی نامساوی بین آنها وجود دارد، آسان نیست



۳. «اصل رقابت سالم وبدون سوءنیت»

این اصل با منع امتیاز و کمک غیرموجه (یارانه) به محصولات داخلی برای از بازار خارج کردن محصولات خارجی، منع فروش کالا و خدمات در کشور دیگر به زیر قیمت اصلی به ویژه به منظور بازارشکنی محصولات داخلی آن کشور و منع رواج بازرگانی دولتی برای استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی در امر تجارت محقق می‌شود.

از میان اصول نامبرده، اصل دول کامله الوداد یا شرط مطلوب‌ترین رفتار با دول عضو سنگ زیربنای سیستم توافقنامه کلی WTO می‌باشد. ماده ۱ این توافقنامه مقرر می‌دارد: هر کشور عضو

متعهد می‌گردد با سایر کشورهای متعاقد، به مانند کشوری رفتار نماید که مطلوب‌ترین رفتار را در خصوص صادرات و واردات با او دارد. این تعهد عدم تبعیض بین کشورهای عضو، غامض و پیچیده است و می‌تواند در موارد بسیاری باعث نقض توافقنامه شود، زیرا که رفتار تجاری مساوی با کشورهای مختلف که روابط سیاسی و اجتماعی نامساوی بین آنها وجود دارد، آسان نیست.

ماده ۱۱۱ توافقنامه کلی، استاندارد های اصل رفتار ملی را مقرر می‌نماید. این اصل، عنصر اساسی بسیاری از عهدنامه‌های دوجانبه مودت، بازرگانی و ناوبری می‌باشد؛ اما توافقنامه کلی WTO تنها عهدنامه چند جانبه‌ای است که در آن این اصل در ارتباط با مالیات‌ها و مقررات داخلی به صورت شفاف و برجسته پدیدار گشته است و بر اساس آن تصریح شده که کشورهای عضو نباید مقررات مالیاتی، حمل و نقل، توزیع، استفاده از محصولات و غیره را به نحوی تعیین کنند که تنها به منظور حمایت از محصول داخلی باشد.

ذیل اصل دوم یا اصل منع محدودیت در جریان تجارت، اصل شفافیت قرار می‌گیرد که برخی معتقدند قبل از آزادی تجارت، باید به دنبال شفافیت در نظام تجاری کشورها بود. چرا که اولاً کاهش موانع تجاری وقتی ممکن است که موانع شناخته شده باشند و ثانیاً اصولاً تجار بیش از آنکه نگران تعداد زیاد موانع تجاری باشند، نگران نامشخص بودن آنها هستند. سازمان جهانی تجارت، شفافیت در نظام تجاری اعضا را در قالب دو تعهد اصلی تضمین کرده است:

اصولاً

رویه‌های تجاری غیرمنصفانه
اقداماتی مبتنی بر برنامه‌های
غیرمنصفانه‌اند که هدف و نتیجه آنها
اختلال در بازار و در نتیجه، آسیب رساندن
به منافع شرکای تجاری است. در این رویه‌ها
قدرت رقابت کالاهای بهره‌مند از اقدامات
غیرمنصفانه به نحو غیر قابل توجیهی
افزایش می‌یابد

- ◀ الف) تجویز حمایت از صنایع و بنگاه‌های داخلی تنها با تعرفه که شفاف‌ترین ابزار حمایتی است.
- ◀ ب) شفافیت در کلیه قوانین و مقررات تجاری و احکام قضایی و دستورات اداری مرتبط با تجارت از جمله در نظام مالیاتی از طریق انتشار آنها.
- ◀ به علاوه برای تحقق این اصل، استفاده از محدودیت‌های کمی در تجارت، همچون سهمیه‌بندی و صدور پروانه واردات ممنوع بوده و حمایت از صنایع داخلی فقط از طریق تعرفه‌های گمرکی شفاف، امکان‌پذیر می‌باشد و به کاهش و تثبیت تعرفه‌های گمرکی و حذف موانع تجاری غیر تعرفه‌ای نیز تصریح شده است.
- ◀ اصل سوم یا اصل رقابت سالم و بدون سوء نیت را می‌توان ضمانتی برای کارآمد و نتیجه بخش بودن اقدامات صورت گرفته بر اساس اصول قبل دانست؛ زیرا اولاً با منع کشورهای عضو از اتخاذ روش‌های تجاری غیرمنصفانه؛ همچون اعطای یارانه‌های صادراتی، امکان عملکرد مناسب در محیط رقابتی ایجاد شده بر اساس اقدامات فوق را فراهم می‌آورد و ثانیاً با تجویز روش‌های منصفانه جهت حمایت از منافع اساسی کشورهای عضو، به آنها اطمینان می‌دهد که مشارکت در نظام تجارت چند جانبه متضمن از دست دادن تمامی ابزارهای حمایتی نخواهد بود. بدین ترتیب این اصل به دو طریق ذیل عمل می‌نماید:
- ◀ الف) منع رویه‌های تجاری غیرمنصفانه؛ اصولاً رویه‌های تجاری غیرمنصفانه اقداماتی مبتنی بر برنامه‌های غیرمنصفانه‌اند که هدف و نتیجه آنها اختلال در بازار و در نتیجه، آسیب رساندن به منافع شرکای تجاری است. در این رویه‌ها قدرت رقابت کالاهای بهره‌مند از اقدامات غیرمنصفانه به نحو غیر قابل توجیهی افزایش می‌یابد. رویه‌های تجاری غیرمنصفانه ممکن است با دخالت دولت شکل گیرند که به صورت اعطای یارانه به خود پدیدار می‌شود. دولت‌ها با اعطای یارانه به بنگاه‌های تجاری می‌توانند از هزینه‌های تولید یا فروش آنها کاسته و موجب افزایش قابلیت رقابت آنها گردند. سازمان جهانی تجارت، دولت‌های عضو را به خودداری از اعطای این گونه یارانه‌ها فرا می‌خواند و به اعضایی که تحت تاثیر این یارانه‌ها قرار می‌گیرند، مجوز اقدامات جبرانی می‌دهد.
- ◀ قیمت شکنی از دیگر انواع رویه‌های تجاری غیرمنصفانه است که اساساً دولت‌ها در آن نقشی ندارند. در این روش، معمولاً خود بنگاه‌های تجاری به منظور گرفتن بازار رقبا، خود، محصولاتشان را با قیمتی کمتر از قیمت معمول، وارد بازار می‌کنند. سازمان مذکور برای مقابله با این رویه نیز به اعضای سازمان جهانی تجارت اجازه داده است که در مقابل آن به اقدامات ضد قیمت شکنی دست بزنند.
- ◀ ب) تجویز روش‌های منصفانه حمایت از منافع اساسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی؛ مفهوم تجارت منصفانه به این معناست که دولت‌ها باید حق داشته باشند علاوه بر رژیم تعرفه‌ای که با توجه به نتیجه مذاکرات تعرفه‌ای، حمایت مورد نظر را به بخش‌های مختلف تولیدی آنها اعطا می‌کند، در مواقع لازم روش‌های فوق العاده‌ای را نیز برای حمایت به کار گیرند. تجویز اقدامات حفاظتی برای جلوگیری از جبران آسیب‌های وارده به بخش‌های تولیدی کشور، تجویز اقدامات حمایتی در صورت بروز مشکلات تراز پرداخت‌ها و نهایتاً تجویز انحراف از تعهدات WTO به دلایل خاص اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی در مواد مختلف توافقنامه‌های سازمان، تجلی مفهوم تجارت منصفانه از این منظر است.

◀ منابع

- نیکبخت، حمیدرضا، نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی (WTO)، تحقیقات حقوقی، شماره ۳۷، ص ۷۹ و ۸۰، ۱۳۸۲
- انصاری، اعظم، حاجیان، محمد مهدی، اصول حقوقی و تفسیر مقررات سازمان جهانی تجارت، پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۴، ص ۳۱-۳۳، ۱۳۹۵
- پایگاه اینترنتی سازمان جهانی تجارت به آدرس www.wto.org
- حسامی، محمد حسام، کالبدی برای تجارت؛ سازمان جهانی تجارت بخش دوم و سوم، اتاق بازرگانی، شماره ۲، ص ۲۵، ۱۳۸۶
- شیخانی، سعید، آشنایی با سازمان تجارت جهانی، اتاق بازرگانی، شماره ۱۱، ص ۱۰۲، ۱۳۷۵
- طیار، فاطمه، اصول و قواعد نظام تجارت چند جانبه در WTO، پایگاه اینترنتی سازمان ملی استاندارد، ص ۳ و ۴
- قنبری جهرمی، محمد جعفر، نهادهای بین‌المللی تجارت؛ گات و سازمان تجارت جهانی، حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۸، ص ۱۸۴-۱۸۶، ۱۳۸۲
- نیروزنگ، راحله، سازمان تجارت جهانی، مشکوة النور، شماره ۲۰، ص ۱۱ و ۱۳، ۱۳۸۱

دست به دست هم دهیم برای قتل!

تحلیل حقوقی اُتانازی



نگار حسینی

دانشجوی حقوق
دانشگاه الزهرا (س)

مقدمه

اصطلاح اُتانازی (Euthanasie) که کاربرد آن از قرن هفتم میلادی معمول شده است، برگرفته از زبان یونانی و مشتق از پیشوند (Eu) به معنی خوب، و (thanasie) به معنی مرگ است که مفهوم لغوی آن را مرگ خوب، مرگ آسان، روشی برای مردن با رغبت و تمایل به کشتن دیگری بدون درد و سختی (به ویژه کسی که از يك بیماری غیرقابل درمان رنج می برد) ذکر کرده اند. همچنین در بیان معنی آن

از تعابیر دیگری مانند: «قتل از رویِ ترحم»، «مرگ راحت و آرام بخش»، «مرگ شیرین»، «بیمار کشی با ترحم»، «بیمار کشی طبی» و یا «تسریع در مرگ محتضر»، «کشتن مشفقانه» و «میراندن بدون درد» استفاده شده است. در يك مفهوم گسترده تر، اُتانازی را کوتاه کردن عمده حیات دیگری بر اساس يك مصلحت مفروض با انجام فعل یا ترك يك اقدام حیاتی تعریف کرده اند.

انواع اُتانازی

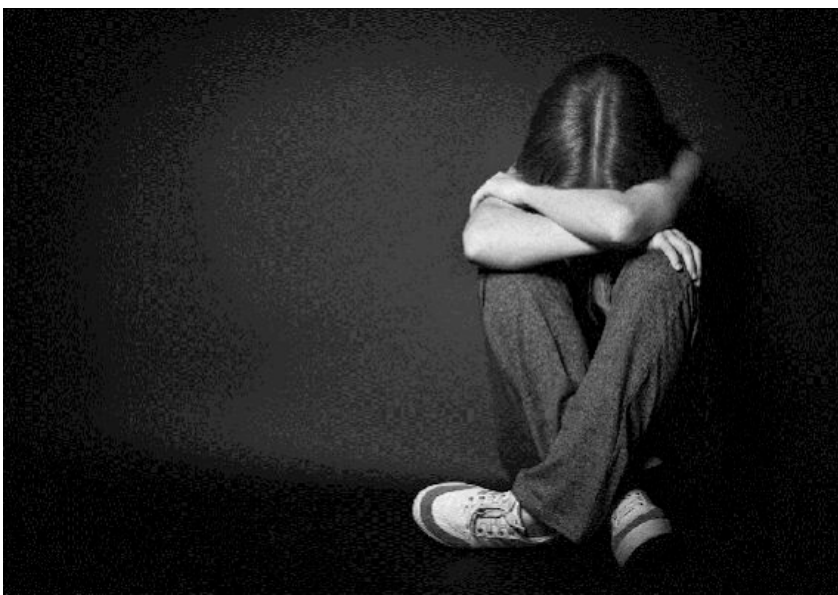
۱. داوطلبانه و تحمیلی: در اُتانازی داوطلبانه، شخص، خود از دیگری تقاضای مرگ کرده، ضمن مطالبه ای صریح و مکرر رضایت خود را نسبت به کشته شدن ابراز می دارد. اُتانازی تحمیلی در صورتی محقق می گردد که این اقدام بدون ابراز تمایل از سوی بیمار انجام گیرد؛ که این نوع نیز خود به دو گروه طبقه بندی شده است: وقتی بیمار قادر است با اراده و آگاهی درباره ی مرگ خویش اظهار نظر کند، اما هرگز با آن

پزشک از ادامه ی درمان امتناع داشته از استمرار بخشیدن به حیات آمیخته با رنج بیمار محتضر، به ویژه با توسل به روشهای مصنوعی، خودداری می نماید. به طور مثال وسایل حمایتی که مرگ را به تأخیر می اندازند (از قبیل Respiratore) را قطع کرده، بدین وسیله فرایند طبیعی مرگ را ممکن می سازد. به عبارت دیگر اتانازی غیر فعال، تسریع در مرگ بیمار از طریق انصراف از ادامه ی بهره گیری از ابزارهای حمایتی و یا به طور کلی توقف جریان درمان و اقداماتی است، که مانع مرگ می گردد. اتانازی انفعالی نیز ممکن است داوطلبانه یا بدون درخواست و رضایت مجنی علیه واقع شود.

◀ چالش های حقوقی اتانازی در قوانین کیفری ایران: بر اساس قوانین کیفری ایران دو حالت وجود دارد، اول اینکه اتانازی بدون رضایت بیمار و صرفاً بر اساس صلاح دید گروه پزشکی باشد، که مطمئناً قتل محقق می گردد و انگیزه خیرخواهانه باعث تبرئه قاتل (کادر پزشکی) نمی شود و در نتیجه مجازات آن قصاص است. دوم اینکه، اتانازی با رضایت بیمار و خانواده وی صورت بگیرد و بیمار قبل از فوت حق قصاص و دیه را از طرف اولیای خود

موافقت ننموده و از پذیرش انجام اتانازی امتناع می نماید؛ اگر چه ناخواسته، وی موضوع اجرائی آن به وسیله ی دیگران قرار می گیرد. صورت دوم هنگامی است که بیمار به دلیل شرایط جسمی (مانند بیهوشی) یا موقعیت روانی خاصی که بر او عارض شده است، اعلام موافقت وی غیر ممکن بوده یا اصولاً فاقد صلاحیت درخواست و تقاضای موثر است؛ به طوری که اظهار رضایت وی نسبت به انجام اتانازی فاقد اعتبار باشد.

◀ ۲. مستقیم و غیر مستقیم: در اتانازی غیر مستقیم، به بیمار غیر قابل درمان، توسط پزشک یا نزدیکان وی تلقین می شود تا خود اقدام به خودکشی نماید. در این نوع از اتانازی، پزشک با تأمین وسایل یا ارائه اطلاعات لازم درباره ی طرق ارتکاب خودکشی، به بیمار امکان می دهد تا بتواند به سهولت زندگی رنج آور خویش را پایان بخشد. مانند آنکه همراه با قراردادن داروهای کشنده در دسترس بیمار، بر نهی در استفاده از آن تأکید کند، به این امید که بیمار تحریک شده اقدام به خودکشی نماید و یا گاز منواکسید کربن را در جهت ترغیب به خودکشی در اختیار بیمار بگذارد. نوع مستقیم اتانازی، به اتانازی فعال یا مثبت و اتانازی غیر فعال تقسیم شده است. اتانازی فعال، مستلزم اقدامی مستقیم و مهلك به وسیله ی شخصی غیر از بیمار مانند پزشک است که با تزریق داروی کشنده به حیات وی خاتمه دهد. اتانازی فعال ممکن است داوطلبانه و به درخواست بیمار صورت گیرد یا آنکه تحمیلی باشد به نحوی که بدون توجه به تمایل بیمار به وسیله ی طبیب یا نزدیکان وی اعمال گردد. در اتانازی انفعالی،



ساقط کرده باشد، در این صورت، به دلیل رضایت مقتول قصاص ساقط می شود. نکته دیگر این است که در حقوق کیفری ایران این اصل پذیرفته شده است که رضایت قربانی تأثیر در ماهیت عمل مجرمانه و مسئولیت کیفری مسئول ارتکاب اتانازی ندارد؛ چون هر جرمی مخالف با نظم عمومی جامعه است و هدف مجازات حفظ نظم عمومی و امنیت اجتماعی است. از طرفی متضرر اصلی جرم ارتكابی جامعه است و حق مجازات از حقوق عمومی است.

◀ استدلال موافقان و مخالفان اتانازی

◀ استدلال ها در جانب داری از اتانازی چندان جدید و متعدد نیستند. مهم ترین استدلال ها برای اتانازی عبارت اند از درد شدیدی که مبتلایان به بیماری های درمان ناپذیر تحمل می کنند و سربار شدن افرادی که نمی توانند در فعالیت های طبیعی شرکت کنند و حق افراد برای تصمیم گیری درباره زندگی شان. مورد اخیر در قالب مفهوم احترام به خودمختاری



◀ مسئله دیگر این است که چه کسی تصمیم می‌گیرد؟ مخالفان اتانازی می‌گویند رضایت فرد متقاضی خودکشی، مختل است؛ او نمی‌تواند تصمیمی عاقلانه بگیرد. علاوه بر این، اتانازی لزوماً بهترین گزینه برای راحتی بیمار نیست، چرا که ممکن است تشخیص بیمار اشتباه باشد یا درخواست اتانازی از سوی بیمار نوعی درخواست کمک باشد. درخواست اتانازی

می‌تواند به علت مشکلات روان شناختی و افسردگی بیمار باشد و در نتیجه وی توان قضاوت درست و ظرفیت تصمیم‌گیری را نداشته باشد. بنابراین نه تنها توجه به نیازهای جسمی، بلکه توجه به نیازهای روان شناختی و معنوی می‌تواند به بیمار کمک کند تا مراحل پایانی زندگی‌اش را بدون نومیدی سپری کند. مراقبت تسکینی مناسب می‌تواند ضرورت اتانازی را در بسیاری موارد از بین ببرد. مراقبت تسکینی نوعی مراقبت کل‌نگر است که توسط گروهی از متخصصان سلامت و با هدف کمک به مبتلایان بیماری‌های پیش‌رونده و درمان ناپذیر ارائه می‌شود. مراقبت تسکینی، زندگی را تایید می‌کند، مردن را فرایند طبیعی می‌بیند و با اتانازی به عنوان ابزاری برای تسکین رنج، مخالف است.

◀ در دنیای غرب، قوی‌ترین مخالفت با اتانازی از ناحیه دین است. مخالفت دین به روزهای نخست مسیحیت برمی‌گردد. کلیسای قرن چهارم میلادی خودکشی را به شدت محکوم کرد؛ چرا که سرکشی برسلطنت الهی درباره زمان و مکان مرگ است. ادیان دیگر نیز اتانازی را مخالف دستور الهی می‌دانند و بر این عقیده‌اند که اتانازی حرمت حیات را نقض می‌کند و

برای مخالفت با اتانازی است، چراکه اتانازی، نخستین اصل آن (خیرخواهی در کمک، درمان و کاهش درد و رنج) را نقض می‌کند. سوگند بقراط استفاده از داروهای مرگبار و توصیه به استفاده از آنها را ممنوع می‌کند. دستور العمل بین‌المللی اخلاق پزشکی نیز می‌گوید که پزشک همواره باید الزام برای حفظ جان انسان‌ها را در نظر داشته باشد.

◀ از مهم‌ترین استدلال‌های مخالفان اتانازی، امکان سوء استفاده از آن، به ویژه از سوی متصدیان سلامت است. نخستین گام برای قانونی شدن اتانازی سبب می‌شود گام‌های بعدی آسان‌تر برداشته شود. طرفداران این استدلال که استدلال «شیب لغزنده» نام دارد، می‌گویند هنگامی که جامعه پایان دادن به زندگی را بپذیرد، دیگر هیچ روشی برای محدود کردن اتانازی و بازداشتن سوء استفاده از آن وجود ندارد. دامنه این شیب، به قانونی شدن خودکشی، کشتن افراد مسن، افرادی که از بیان مقصودشان ناتوان‌اند، فقرا و افراد مبتلا به بیماری‌هایی چون ایدز نیز گسترش خواهد یافت و از اتانازی بیماران در حال مرگ تا اتانازی بیماران روانی چندان راهی نیست.

بیمار صورت بندی می‌شود. با اینکه وظیفه حفظ حیات از اصول اساسی اخلاق پزشکی است، برخی معتقدند وظیفه پزشک درباره کاهش رنج و بهبود زندگی در مواردی بر وظیفه حفظ حیات اولویت می‌یابد. اما در بسیاری موارد انگیزه‌ها برای اخلاقی و مطلوب شدن اتانازی در رویارویی با درد و رنج کافی نیست. قانونی شدن اتانازی بذور نومیدی را در ذهن و قلب بیمار می‌کارد. در افراد معمولی و افراد غیرمولد یا کم‌مولد و افراد پیری ناتوان، ترس از «فهرست مرگ» به وجود می‌آید و همه این‌ها جایگاه و تصویر حرفه پزشکی را در جامعه تخریب می‌کند. امروزه اخلاق بیشتر و بیشتر زیر سایه خود مختاری رفته است. این روال برای مثال به پذیرش سقط جنین، هرزه‌نگاری، رابطه جنسی خارج از ازدواج و همجنس‌گرایی انجامیده است. اما در مورد اتانازی لازم است محدودیت‌های خودمختاری به رسمیت شناخته شوند.

◀ به گفته برخی نویسندگان، مخالفت با اتانازی عمدتاً از سه منبع سرچشمه می‌گیرد: دین، ترس از مرگ غیر داوطلبانه به علل اقتصادی و اصول اخلاق پزشکی. ◀ اخلاق پزشکی بقراطی پایه ای قوی



نمونه ای از خود ویرانگری است. استدلال های اسلامی علیه اتانازی را می توان در دو رویکر خلاصه کرد: ۱. زندگی مقدس است و اتانازی و خودکشی در زمره علل مجاز پایان دادن به آن نیست. ۲. خداوند تصمیم می گیرد هر یک از ما چقدر زندگی کنیم. طبق آموزه های اسلامی، زندگی امانتی الهی است و نمی توان با هیچ یک از اشکال اتانازی به آن پایان داد.

نتیجه <

بررسی حقوقی اتانازی، مستلزم پرداختن به دو وجه متمایز آن است که یکی ناظر به حکم تکلیفی و دیگری به مسئولیت ناشی از نتایج حاصل از اقدام به آن است. برخی از صورت های اتانازی مانند اتانازی فعال تحمیلی، مشمول احکام وضعی و تکلیفی ناظر بر جنایات عمدی بوده و علاوه بر توصیف مجرمانه عمل، مرتکب، نسبت به نتیجه ی آن از حیث قصاص یا دیه نیز ضامن خواهد بود. در اتانازی داوطلبانه نیز فعل ارتكابی همچنان ممنوع قلمداد می گردد؛ زیرا اذن به جنایت بر خویش، فاقد صلاحیت تأثیر، در زوال وصف مجرمانه عمل است. اگر چه اذن به اتانازی در شرایط اضطراری به منظور دفع ضرر باشد و جواز اقدام به آن منطبق با قواعد و اطلاق ماده ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی است؛ زیرا اضطرار، مستلزم رفع اثر از جرم ارتكابی است. لکن در غیر موارد اجرای قاعده اهم، اصل بر حرمت فعل ارتكابی است؛ هر چند به رغم احرار اسناد مرگ به مرتکب، با وجود اذن مجنی علیه و نسبت به نتایج حاصل ضامن نخواهد بود؛ زیرا رضایت سابق اگر چه در حکم تکلیفی بلا اثر است اما می تواند مانع ثبوت ضمان دیه یا قصاص گردد. بنابراین در کلیه مواردی که اتانازی به صورت فعال یا منفعل واقع شده و مرگ مستند به مرتکب باشد، اقدام و جرم بوده و حسب مورد محکوم به قصاص یا دیه می گردد. لکن در صورت های مختلف اتانازی داوطلبانه، اذن بیمار منحصراً در نفی قصاص و دیه موثر بوده و با بقاء توصیف حرمت فعل، مرتکب، محکوم به تعزیر می گردد.

منابع <

- صادقی، محمد هادی، بررسی فقهی و حقوقی اتانازی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۲، صفحات ۱۰۲-۱۰۴، تابستان ۱۳۹۴
- کوشا، سهیلا، چالش های اخلاقی، مذهبی، شرعی و حقوقی اتانازی، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، شماره ۵، صفحات ۹۸-۱۰۰، پاییز ۱۳۹۵
- پارساپور، علیرضا، اتانازی، تبیین موضوع و تحلیل اخلاقی، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ۱، ۱۳۸۷
- صباح یزدی، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷
- آقابابایی، ناصر، تبیین موضوع و تحلیل اخلاقی اتانازی، سال ۳، شماره ۱، صفحات ۱۱۲-۱۱۴، زمستان ۱۳۹۰

تحلیل حقوقی سریال پوست شیر

و دلیلی برای قتل این دختر می‌گردد، اما تا آخرین لحظات فیلم از دریافت دلیل محکمه پسند در می‌ماند.

نکات حقوقی بسیاری در سرتاسر این سریال قابل مشاهده است اما مهمترین حفره و اشکال حقوقی سریال مربوط می‌شود به شائبه قصاص نعیم، پدر مقتول. در جریان فیلم، نعیم مولایی، کاراکتر اصلی سریال، مرتکب دو فقره قتل می‌شود که اولی مربوط به قتل نریمان است. نریمان در حضور نعیم و مادر مقتول صراحتاً به تجاوز به ساحل مولایی، دختر نعیم، اذعان کرده و علاوه بر آن، ویدیو این جریان هم ضبط شده و موجود بوده است. نریمان با توجه به اینکه مرتکب زنا می‌شود با دختر نعیم شده است و این جرم مجازات اعدام را در پی دارد، مطابق بند الف ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی که بیان می‌دارد: «مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است» مهدورالدم محسوب می‌شود، لذا نریمان مهدورالدم بوده و قتل او توسط نعیم جنایت محسوب نمی‌شود؛ چراکه یکی از شرایط تحقق جنایت، محقون الدم بودن مجنی علیه می‌باشد. لیکن مهدورالدم بودن نریمان باید در دادگاه اثبات شود و چون اقرار فقط در نزد قاضی معتبر است لذا محکومیت نعیم به قصاص امری دور از ذهن نیست. همچنین فیلم موجود از تجاوز نیز به نظر می‌رسد وضوح مورد نظر را نداشته باشد و انتساب صد درصدی آن به نریمان بعید پروانه، دوست نعیم، رضایت خانواده مقتول را می‌گیرد و نعیم از این قصاص رهایی می‌یابد.

اما مسئله بعدی که شائبه قصاص نعیم را ایجاد می‌کند، قتل منصور باجلان توسط نعیم است. منصور که ساحل، دختر نعیم را به قتل رسانده، در زندانی واحد با نعیم به



علی موحدی

دانشجوی کارشناسی

فقه و مبانی حقوق

اسلامی، دانشگاه علوم

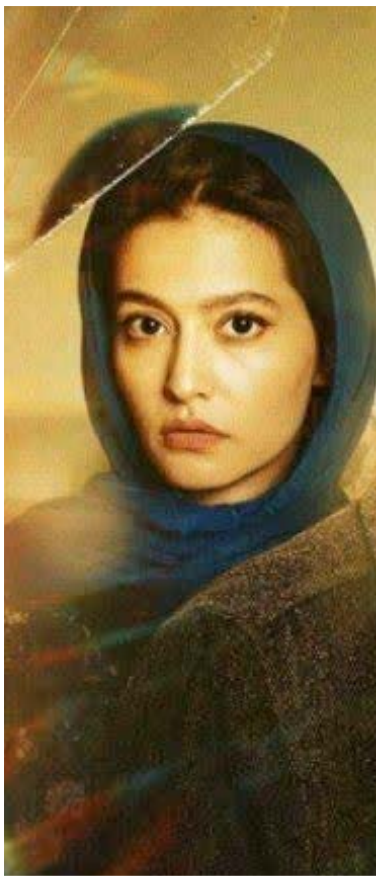
اسلامی رضوی

انتشار سریال داریوش، که از فرم و

محتوای کلی سریال پوست شیر تبعیت می‌کند و نیز آفریده عوامل و بازیگران پوست شیر می‌باشد، ما را بر آن واداشت که با یک نگاه حقوقی پرونده پوست شیر را بازبینی کنیم. پوست شیر، سریالی از برادران محمودی که به عنوان نقطه عطفی در سینمای ایران محسوب می‌شود که ذائقه مخاطب را تغییر داده و کلیشه عاشقانه صرف نمایش خانگی در ایران را شکست و با نگاهی نو در مارکت سینما عرضه شد.

این سریال به فراخور ژانر جنایی و

فیلمنامه سراسر مرموز خود، آمیختگی جدایی ناپذیری با بحث‌های حقوقی داشته و در برخی موارد نقد‌های جدی را به دنبال دارد. از ابتدای سریال، محب مشکات، پلیس کارگشته‌ای که روی پرونده قتل یک دختر جوان در حال کار و بررسی است، از همان ابتدا دنبال سرخ و شاهد



یا معلق علیه تحقق یافته باشد. همچنین عدول از گذشت مسموع نیست.)» باتوجه به پرداخت تمام و کمال مبلغ صلح شده توسط منصور و تحقق شرط، امکان عدول از گذشت، دیگر وجود ندارد و درخواست رضا پروانه از خانواده مقتول جهت بازپس گیری رضایت کاملاً بیهوده بوده و به هیچ عنوان کارساز نیست بلکه رضا پروانه خود نیز در این جریان مرتکب جرم تهدید می شود که می تواند توسط خانواده عباس مورد پیگیری قرار گیرد.

◀ عدم تطابق با قانون و نادیده گرفتن ریزه کاری های حقوقی در فیلم و سریال ها، موضوعی است که حتی فیلمنامه هایی که تخصصاً در مورد مسائل حقوقی نگاشته شده اند نیز به آن دچار می شوند. دلیل اصلی این مسئله، می تواند ذهن هنرمندانه نویسنده و کارگردان باشد که به دراماتیزه کردن فیلمنامه و روند داستان آن فکر می کنند و بدین مقصود همه ابزارهای موجود را در خدمت فیلمنامه قرار می دهند



سرمی برد که نعیم نقشه انتقام خون دخترش را می ریزد و سراغ منصور رفته و او را به قتل می رساند. بند پ ماده ۳۰۲

قانون مجازات اسلامی در بیان مصادیق مهدورالدم، به مهدورالدم نسبی اشاره میکند: «مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی شود.» منصور نیز نسبت به نعیم که ولی دم مقتول می باشد، مهدورالدم محسوب می شود. لذا در قتل منصور توسط نعیم، قصاص منتفی است. این موضوع را از دید دفاع مشروع نیز می توان مورد بررسی قرار داد. نعیم با نیت قتل اقدام به قتل منصور کرده لیکن خود مورد هجوم و جرح از سوی منصور قرار گرفته. اما از سویی دیگر نعیم هم از حدود دفاع مشروع فراتر رفته است. در هر صورت چه از حدود دفاع مشروع تعدی کرده باشد چه در حدود آن اقدام کرده باشد، قصاص منتفی است و در بدترین حالت ممکن به دیه و تعزیر محکوم می شود. اما در سریال اینگونه القا می شود که نعیم بخاطر این قتل، قصاص خواهد شد و مخاطب را چنین تحت تاثیر قرار می دهد.

◀ نکته قابل توجه دیگر اینکه منصور باجلان، متهم اصلی سریال، که قبلاً مرتکب قتل فرد دیگری به نام عباس شده است، با پرداخت مبلغ توافق شده با ولی دم مقتول، رضایت آنها را گرفته و از قصاص در امان می ماند. اما در کمال تعجب، رضا پروانه، دوست نعیم، با مراجعه به خانواده عباس، از آنها می خواهد که رضایت خود را پس بگیرند و رضا پروانه خود نیز در این هنگام با دیالوگ: «اگه رضایتتون رو پس نگیرین و این قصر دربره خون جفتتون رو جلوی همین ماشین میریزم می مالم به پلاکش.» مرتکب جرم تهدید می شود. در حالی که ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی به صراحت بیان می دارد: «گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می شود که آن شرط

و به نظرم می‌رسد ذبح نکات حقوقی برای به دست آوردن نظر مثبت مخاطبین برای آنها خط قرمز مشخصی نباشد. اما با توجه به فضای رئالیسم آثار برادران محمودی که همواره سعی در نزدیک کردن اثر خود به واقعیت موجود دارند و حتی تا جایی به مرز واقعیت نزدیک می‌شوند که قاب‌های سینماتیک و هالیوودی ورود نیروهای انتظامی را به جای لندکروز و هایلوکس، با پژو ۴۰۵ فیلمبرداری کرده‌اند، انتظار می‌رود سطح واقع‌گرایی اثر خود را در حد تطبیق کامل قوانین با فیلمنامه بالا ببرند که البته این انتظاری است که شاید از سوی مخاطب عام و غیر حقوقی وجود نداشته باشد و این خود مؤید عدم رعایت نکته فوق می‌باشد. اما عدم تطابق قوانین در سریال می‌تواند مربوط به ملاحظات دیگری نیز باشد. برای مثال نپرداختن به مسئله قصاص مهدورالدم توسط ولی دم می‌تواند در جهت عدم ایجاد هرج و مرج در جامعه و اقدام خودسرانه مردم در انتقام‌گیری و جلوگیری از برهم خوردن نظم عمومی باشد که این مسئله نیز چالشی برای پیروی از قوانین در فیلمنامه‌ها می‌باشد. حال در هر صورت، تطبیق قوانین در سینما به ایدئولوژی سازندگان فیلم‌ها مربوط می‌شود؛ مصلحت‌اندیشی یا واقع‌گرایی؟





حدیث بیاتی
دانشجوی حقوق دانشگاه
الزهراس)

“ بررسی تطبیقی مجازات اعدام در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا

مقدمه

بی شک هر جامعه ای برای بقای خود نیازمند امنیت و آرامش است و این مهم جز با پیش بینی قانون و مجازات میسر نمی شود. مجازات اعدام به دلیل جنبه سالب حیات گونه خود به شدت مورد بحث و مناقشه بوده است. در حوزه نظر دانشمندانی مانند سزار بکاریا در رساله جرائم و مجازات ها و پیروانش اعتقاد دارند که مجازات، ناقض نظریه قرارداد اجتماعی است. در مقابل دانشمندانی همچون بنتام و روسو نظری مخالف آنان دارند. طبعاً این اختلاف در نظرات دانشمندان موجب اختلاف در عمل شد و به دنبال آن جنبش های فراوانی را به راه انداخته که موجب لغو، کاهش یا حتی افزایش مجازات اعدام شده است.

مجازات اعدام در ایالات متحده آمریکا

مبانی مجازات اعدام در آمریکا را می توان بدین ترتیب برشمرد:

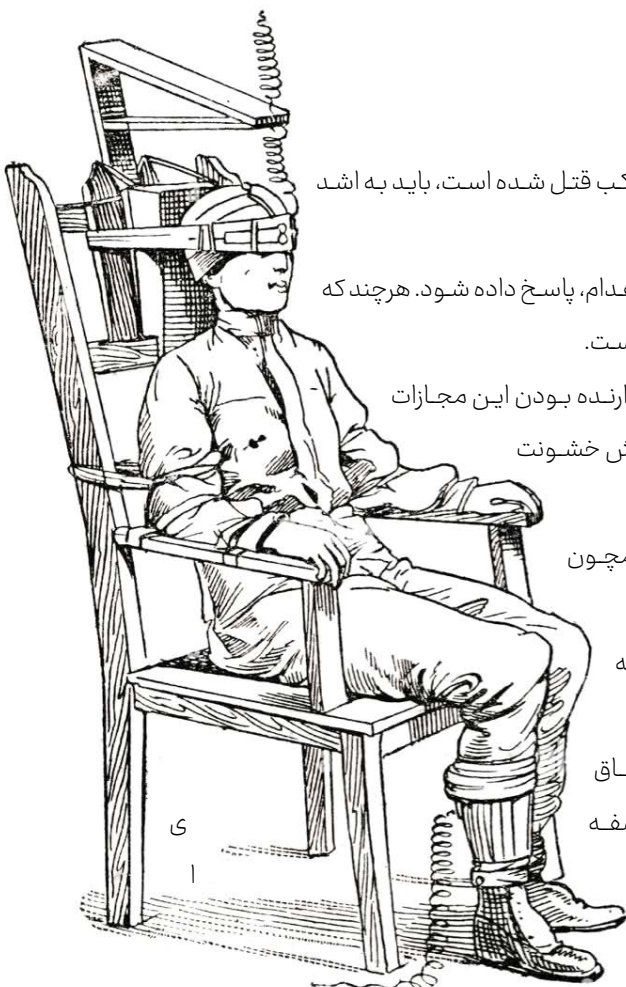
۱- رعایت عدالت ایجاب می کند، کسی که با سوءظن و نقشه قبلی مرتکب قتل شده است، باید به اشد مجازات محکوم شود.

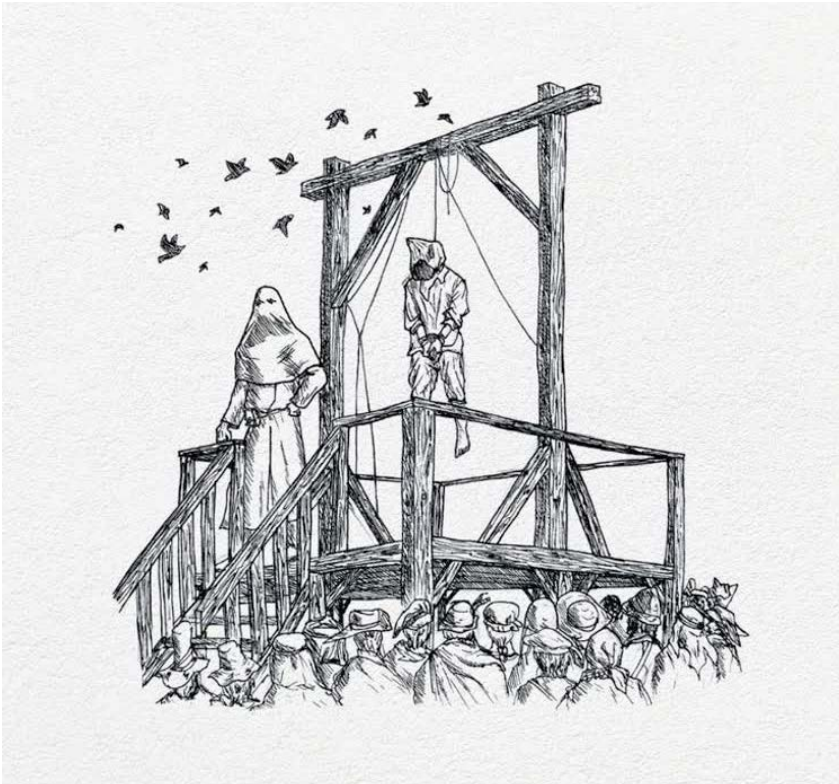
۲- ارتکاب جرمی همچون قتل، باید با مجازات درخوری همچون اعدام، پاسخ داده شود. هرچند که نمی توان ارزش زندگی یک قاتل جانی را با یک فرد بی گناه مساوی دانست.

۳- یکی از عوامل پافشاری بر بقای مجازات اعدام در آمریکا بازدارنده بودن این مجازات است. هرچند عده ای معتقدند اعدام حتی می تواند منجر به افزایش خشونت شود.

۴- به صرفه بودن اعدام از جهت مالی در مقایسه با مجازاتی همچون حبس از دلایل محکم در جهت حکم بر بقای اعدام در آمریکاست. در کل جرائمی که در آمریکا موجب اعدام می شوند، به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- جرائم مرتبط با قتل نفس؛ مانند قتل عام، قتل در قالب قاچاق انسان و.. در این گونه جرائم براساس قوانین فدرال، هیئت منصفه متشکل از ۱۲ نفر باید یکی از عوامل مشدده یا عوامل مخففه جرم به اتفاق آرا اثبات کنند. عوامل مشدده جرم، عواملی هستند که منجر به افزایش جنبه مجرمانه و خطرناک بودن جرم می شوند؛





مانند سابقه محکومیت یک جنایت خشونت بار با استفاده از سلاح گرم. عوامل مخففه عواملی هستند که توجیه کننده جرم نیستند اما بهتر است به دلیل رعایت انصاف و عدالت، در حق مجرم رعایت شوند.

۲- جرائم مرتبط با امنیت کشور همچون جاسوسی

۳- جرائم مرتبط با مشارکت و معاونت در قتل

در سنوات گذشته صدور حکم اعدام تا حد زیادی منحصر به جرائم مرتبط با قتل نفس است و تنها دو تن حکم اعدامشان به دلیل جرائم غیر از قتل نفس صادر شده است.

قوانین متفاوت در فدرال و ایالت ها موجب شده در برخی ایالات، مجازات اعدام اجرا شود و در برخی دیگر لغو شود. ایالاتی که مجازات اعدام در آنها جاری است مانند کالیفرنیا و آلاباما و به استناد گزارش مرکز اطلاعات، ۲ فوریه ۲۰۱۸ در ۱۹ ایالت همچون نیوجرسی و نیومکزیکو مجازات اعدام لغو گردیده است.

قوانین فدرال آمریکا میگوید: در مورد پرونده هایی که با خیانت به کشور و قتل نفس در ارتباط است، حکم اعدام قطع به یقین صادر می شود و فقط افراد خاصی همچون زنان باردار و معلولین مشمول این قوانین فدرال نمی شوند.

مجازات اعدام در ایران نظام حقوقی ایران مبتنی بر اسلام و خصوصاً فقه شیعی است. مجازات اعدام از جمله مجازات هایی است که در اسلام

برای جرائم شنیع و جرائمی که موجب به خطر افتادن نظم و امنیت جامعه و همچنین برقراری عدالت می گردد، در نظر گرفته می شود. فلسفه و مبانی اعدام در اسلام و تشیع، با نظام حقوقی آمریکا متفاوت است. به قطع یکی از مبانی محکم مجازات اعدام در ایران، آیه شریفه «و لکم فی قصاص حیاة» می باشد.

در نظام کیفری ایران سه نوع اعدام پیش بینی شده است:

۱- اعدام قصاصی: مجازات قتل عمد است که طبق شرایط خاصی حکم آن صادر می شود. (حق اعدام یا عفو در اختیار اولیای دم است)

۲- اعدام حدی: نوعی مجازات مرگ است که شارع مقدس آن را معین کرده و حکم به کمتر از آن ممکن نیست. اعدام حدی در قبال سه نوع از جرائم انجام میگیرد:

الف) جرائم جنسی مانند زنا (ماده ۲۲۴ ق.م.ا)

ب) جرائم علیه دین و امنیت اجتماعی همچون محاربه (ماده ۲۸۲ ق.م.ا) یا افساد فی الارض (ماده ۲۸۶ ق.م.ا)

ج) مجازات تکرار جرائم حدی در مرتبه چهارم به موجب ماده ۱۳۶ ق.م.ا اعدام است. ماده ۱۳۶ ق.م.ا می گوید: هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هربار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است. مبنای این حکم را شاید بتوان روایت (اصحاب الکبائر کلها اذا اقیم علیهم الحد مرتین قتلوا فی الثالثه) دانست. البته دو نوع تفسیر از این روایت وجود دارد که تفسیر دوم مبنای این ماده است.

۳- اعدام تعزیری: مجازات مرگی است که حاکم آن را معین می کند و طبق عقیده

اقوی فقهای شیعه، اصل در تعزیرات مادون حد است. در سال های اخیر، صدور حکم اعدام تعزیری توسط قضات در ایران بسیار کمتر شده که دلیل آن مادون بودن حد در تعزیرات است.

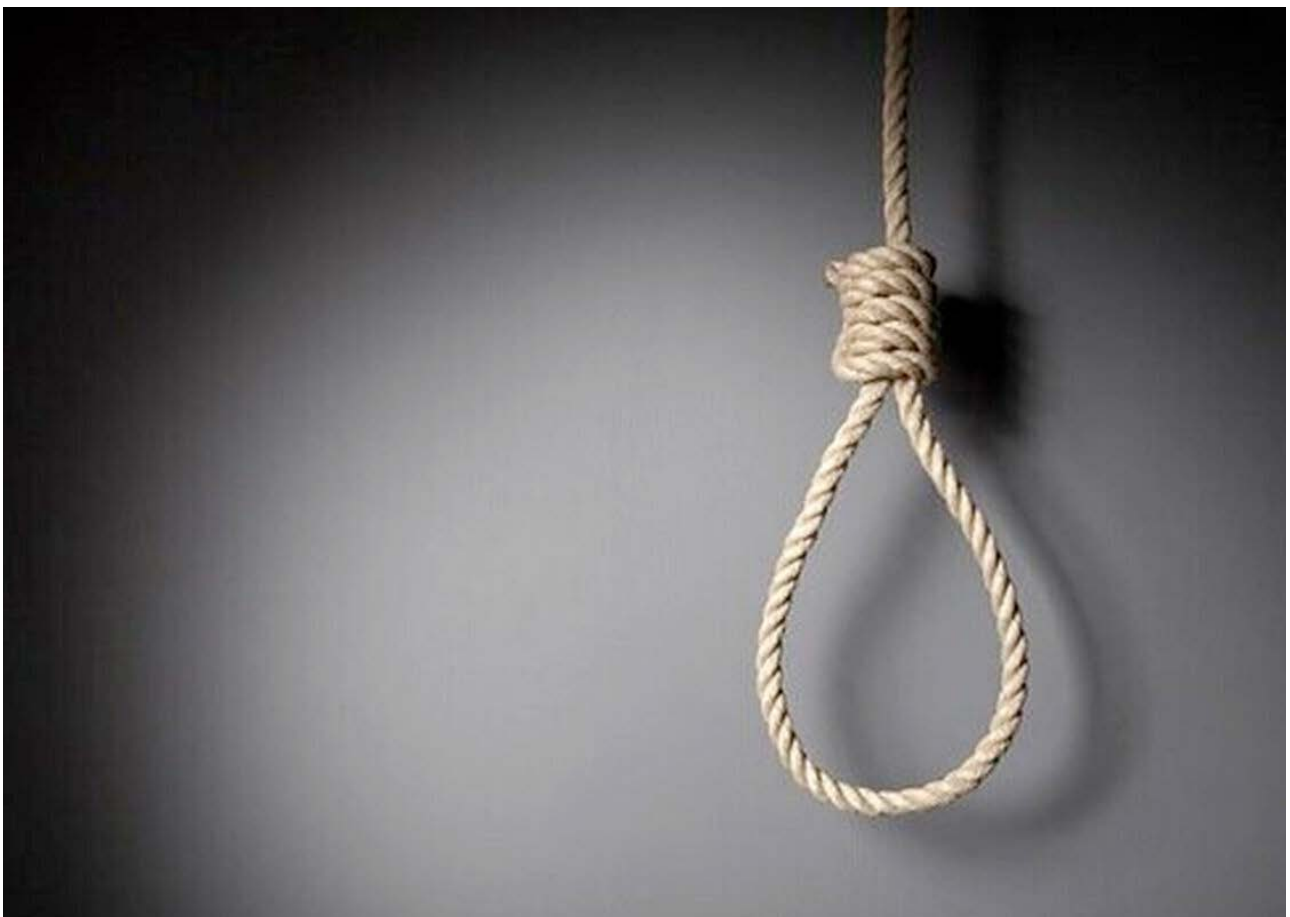
نتیجه

اعدام در آمریکا یک مجازات موثر و مفید است که با وجود تلاشهای شدید عده ای، همچنان پابرجاست و مبنای پایداری این مجازات را بیشتر می توان بازدارندگی آن دانست. تعدد جرائم مستوجب اعدام با توجه به تفاوت قوانین فدرال و ایالات موجب افزایش آمار اعدام در این کشور شده است.

اما در نظام حقوقی ایران، مبنای آسمانی این مجازات موجب سختگیری در صدور حکم اعدام شده است. مبنای اعدام در ایران اصولاً احترام به خون انسان و حرمت قتل نفس است. همچنین از آنجایی که ایران حکومتی یکپارچه دارد، قوانین اعدام در کل کشور بصورت هماهنگ اجرا می شود؛ در حالی که در آمریکا موضوع کاملاً متفاوت است و قوانین فدرال و ایالات متفاوت است.

منابع

احسانی مطلق، محمدرضا، مفتاح، احمدرضا، حق حیات در ادیان توحیدی، پرتال جامع علوم انسانی، ص ۱۲۴ تا ۱۳۹۴، ۱۳۶.
جعفری، حسین، حاتم پوری، نفیسه، بررسی نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا در قبال اعدام نشریه فقه و حقوق نوین، ص ۸۷ تا ۱۰۲،
بهاره ۱۴۰۰
موسائی، محمد، پورشاهی، نرگس، سپهوند، میلاد، نشریه مطالعات علوم سیاسی ص ۱۲۴ تا ۱۴۳، ۱۴۰۱



سقوط به اعماق عدالت

تحلیل پیچیدگی‌های قانونی و اجتماعی
در فیلم «آنا تومی یک سقوط»

مبینا نداف

فارغ‌التحصیل رشته حقوق
دانشگاه الزهرا (س)



می‌دهد در خانه به زبان انگلیسی صحبت کنند. او در جامعه‌ای زندگی می‌کند که هرگز نمی‌خواست در آن باشد و فشار اجتماعی را احساس می‌کند که نمی‌خواهد با آن ارتباط برقرار کند.

فیلم در ابتدا به آرامی پیش می‌رود و تمرکز آن بیشتر بر تحقیق و بررسی شواهد است تا درام. اما با ورود ساندرایا به دادگاه، فیلم به تحلیل عمیق‌تری از موضوعات حقوقی و اجتماعی می‌پردازد. «آنا تومی یک سقوط» به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه جامعه شخصیت‌ها را قضاوت می‌کند و تأثیرات این قضاوت‌ها بر روند دادرسی چیست. این ایده به نوعی به بررسی نظریات کامو در «بیگانه» شباهت دارد، جایی که قهرمان داستان از روایاتی بودنش می‌شکند تا جامعه را به نامعقول و پوچ بودن متهم کند.

فیلم «آنا تومی یک سقوط» به کارگردانی جاستین تربیت و نویسندگی مشترک او با همسرش آرتور هراری، یک داستان پیچیده و جذاب را به تصویر می‌کشد. داستان با مصاحبه‌ای با ساندرایا هولر، رمان‌نویس موفق، آغاز می‌شود. این مصاحبه به‌طور ناگهانی قطع می‌شود، زیرا شوهر ساندرایا، ساموئل تیس، موسیقی بلندی را در اتاق زیرشیروانی که در حال بازسازی آن است، پخش می‌کند. بعد از رفتن مصاحبه‌کننده، ساندرایا به اتاق خود می‌رود و دانیل، پسر نابینای آن‌ها، سگ خود را برای پیاده‌روی می‌برد. وقتی دانیل بازی‌گرده، جسد ساموئل را در میان برف پیدا می‌کند.

در بخش ابتدایی داستان، تحقیقاتی درباره مرگ ساموئل آغاز می‌شود. ابتدا احتمال خودکشی مطرح می‌شود، اما به تدریج ساندرایا مشکوک به قتل می‌شود چون تنها فرد حاضر در خانه در زمان وقوع مرگ بود. همچنین جزئیات ازدواج ناموفق آن‌ها به تصویر کشیده می‌شود. ساندرایا آلمانی است و ساموئل فرانسوی، اما آن‌ها با خانواده‌شان در زادگاه کوهستانی ساموئل زندگی می‌کنند. ساندرایا که زبان فرانسوی را به خوبی نمی‌داند، ترجیح





به‌طور گزینشی ارائه می‌شود تا به نظر قطعی بیاید. در یکی از لحظات خاص، یک کلیپ صوتی از مشاجره بین ساندر و ساموئل در دادگاه پخش می‌شود. تربیت با بازیگوشی میان واکنش دادگاه به صوت و صحنه واقعی که در آن زمان اتفاق افتاده است، تداخل ایجاد می‌کند و به تماشاگران این امکان را می‌دهد که بیشتر از آنچه در دادگاه در دسترس است، بدانند، در حالی که هنوز راز داستان را برای آن‌ها حفظ می‌کند.

◀ فیلم به تحلیل چندین موضوع حقوقی می‌پردازد:

◀ بار اثبات و شواهد: فیلم به خوبی نشان می‌دهد که بار اثبات در پرونده‌های جنایی می‌تواند پیچیده و گمراه‌کننده باشد. در نظام‌های حقوقی، از جمله حقوق ایران، اصل برائت (فرض بر بی‌گناهی) یکی از اصول بنیادین است و بار اثبات جرم بر عهده دادستانی است. فیلم نشان می‌دهد که وجود شواهد ظاهری به معنای اثبات قطعی جرم نیست و هرگونه شک معقول باید به نفع متهم تفسیر شود.

◀ تأثیر قضاوت عمومی و رسانه‌ها: فیلم به تأثیر قضاوت عمومی و رسانه‌ها در پرونده‌های جنایی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه فشار رسانه‌ها و افکار عمومی می‌تواند بر روند دادرسی و تصمیم‌گیری قضات تأثیر بگذارد. شخصیت ساندر با قضاوت‌های بیرونی مواجه می‌شود که بر اساس شایعات و پیش‌فرض‌ها شکل گرفته‌اند، نه بر اساس شواهد معتبر.

◀ استفاده از ادله دیجیتال: استفاده از کلیپ صوتی به عنوان یکی از شواهد اصلی در دادگاه نشان‌دهنده اهمیت و پیچیدگی‌های استفاده از ادله دیجیتال است. در حقوق ایران نیز ادله دیجیتال

مانند ضبط صدا و ویدئو به عنوان مدارک معتبر پذیرفته می‌شود، اما صحت و اعتبار آن‌ها باید توسط کارشناسان تأیید شود.

◀ نقش کارشناسان: فیلم به نقش کارشناسان در روند دادرسی پرداخته و نشان می‌دهد که نظرات کارشناسان می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد. در حقوق ایران، استفاده از نظرات کارشناسان در موارد پیچیده و تخصصی ضروری است، اما این نظرات نیز می‌توانند تحت تأثیر پیش‌فرض‌ها و تفاسیر شخصی قرار گیرند.

◀ حقوق متهم: یکی از نکات برجسته فیلم، تأکید بر حقوق متهم است. ساندر باید فرصت داشته باشد تا از خود دفاع کند و شواهد و مدارک به‌طور کامل بررسی شود. در حقوق ایران نیز حقوق متهم از اهمیت بالایی برخوردار است و باید فرصت کافی برای دفاع و ارائه شواهد مخالف به او داده شود.

◀ حفظ حریم خصوصی: فیلم به مسئله حفظ حریم خصوصی در پرونده‌های جنایی می‌پردازد. در پرونده‌های خانوادگی و شخصی، حفظ حریم خصوصی متهم و خانواده او اهمیت زیادی دارد. در حقوق ایران نیز حفظ حریم خصوصی باید با نیاز به دستیابی به عدالت تعادل برقرار کند.

◀ «آنا تومی یک سقوط» با بررسی دقیق مسائل حقوقی و قضایی، تماشاگر را به تفکر عمیق‌تر درباره اصول عدالت و نحوه اجرای آن وامی‌دارد. فیلم نشان می‌دهد که رسیدن به حقیقت در دادگاه‌های جنایی همیشه آسان نیست و عوامل مختلفی می‌توانند بر روند دادرسی تأثیر بگذارند. پایان فیلم لحظه‌ای تلخ و شیرین است، پس از بررسی طولانی رابطه‌ای که برای بینندگان و شخصیت‌های دادگاه آشکار می‌شود؛ تربیت با یادداشتی احساسی و آرام میان دو شخصیت، فیلم را به پایان می‌رساند، بدون اینکه معنی آن را توضیح دهد. برخی چیزها فقط شخصی هستند و نیازی به توضیح ندارند.

وضعیت مسئولیت مدنی پزشک در صورت اخذ برائت

فاطمه راستگو

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه الزهرا



مسئولیت مدنی پزشک یکی از مباحث مهم حقوق مسئولیت مدنی است. مسئولیت پزشک در قانون مجازات اسلامی مبتنی بر نظریه تقصیر می باشد و رویکرد سختگیرانه ای بر آن وارد شده که با قاعده ی اخذ برائت از ضمان کمی تعدیل شده است. به طور کلی پزشک زمانی مسئول خواهد بود که تقصیر کرده باشد؛ لذا در صورتی که او تقصیری در علم یا عمل در خصوص خسارت به بار آمده نداشته باشد، مسئول نیست.

ماهیت اخذ برائت از ضمان

اخذ برائت از ضمان اغلب به صورت شرط عدم مسئولیت است. این قاعده از فقه اقتباس شده و در دو ماده ۶۰ و ۳۲۲ قانون مجازات اسلامی نیز منعکس شده است. هرگاه پزشک از شرط برائت از ضمان برخوردار باشد این شرط مجوز بی احتیاطی و بی مبالاتی وی نیست؛ یعنی در صورت ارتکاب تقصیر، پزشک نمی تواند به شرط عدم مسئولیت خود استناد کند و بیمار می تواند با اثبات تقصیر جبران خسارت وارده را تقاضا نماید.

تقصیر ممکن است ناشی از عدم مهارت یا بی احتیاطی پزشک باشد؛ در هر حال تجاوز از حالت متعارف در پزشکی تقصیر پزشک محسوب شده و او مسئول خواهد بود. در خصوص تقصیر و در نتیجه احراز مسئولیت پزشک، تفاوتی نمی کند که این تقصیر عمدی یا در حکم عمد باشد. برای مثال جا گذاشتن چاقوی جراحی در شکم بیمار و جراحی در حال مستی هرچند به عمد نیستند اما در حکم عمد و تقصیر سنگین به شمار می روند.

شرایط صحت برائت

برائت ممکن است به صورت قرارداد خصوصی و یا شرط ضمن عقد درآید اما در هر صورت اخذ برائت از ضمان یک عمل انشائی محسوب شده و باید شرایط صحت آن را داشته باشد. قصد و رضای بیمار و پزشک، اهلیت طرفین و در صورت نداشتن اهلیت بیمار اخذ برائت از ولی او موضوع معلوم و معین، مشروعیت جهت، آگاه سازی پیش از اخذ برائت، منجز بودن آن از جمله شروط صحت اخذ برائت از ضمان می باشد. منظور از معلوم و معین بودن موضوع آن این است که مشخص باشد که منظور خسارات احتمالی ناشی از درمان آن بیماری می باشد. مشروعیت جهت نیز اشاره به این امر دارد که عمل پزشکی به منظور درمان



منابع

قانون مجازات اسلامی
کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی، الزام
های خارج از قرارداد، جلد۱، انتشارات
دانشگاه تهران، ۱۳۷۴
صفایی، سید حسین، مبنای مسئولیت
مدنی پزشک با نگاهی به لایحه جدید
قانون مجازات اسلامی، فصلنامه
علمی پژوهشی دادگاه های حقوق
قضایی، ۱۳۹۱،
نجف پور، محسن، اخذ برائت،
پژوهشکده باقر العلوم، ۱۳۹۳،
* یک صفحه بعد از این مطلب خالی
قرار بگیره. این صفحه مربوط به
اسپانسر هست که هنوز طراحی رو
ارسال نکردند.

شود این بیمار است که باید مسئولیت
پزشک را ثابت نماید. در واقع با شرط عدم
مسئولیت پزشک، بار اثباتی جابه جا می
گردد و در هر حال با احراز تقصیر پزشک
در هر یک از این حالات و اثبات تقصیر، وی
حسب مورد مسئول خسارت وارده خواهد
بود. مصلحت اجتماعی و رویه قضایی نیز
با آن هماهنگ است؛ چرا که اگر منظور از
شرط برائت، عدم مسئولیت پزشک حتی در
صورت تقصیر او باشد، این شرط برخلاف
نظم عمومی و باطل است.

باشد. لذا اعمالی مثل عقیم سازی و
مواردی از این قبیل مشروعیت جهت را
دارا نمی باشند. از ملاک ماده ۲۳ قانون
مجازات اسلامی می توان استفاده کرد که
رضایت و برائت باید منجز باشند. برائت باید
از کسانی گرفته شود که در صورت وقوع
خسارت حق تعقیب دارند و طرف دیگر این
انشاء نیز کسی است که می خواهد درمان
را انجام دهد.

نتیجه‌ی اخذ برائت از ضامن

در صورتی که شرط عدم مسئولیت پزشک
در میان نباشد با توجه به تصریح در ماده
۳۱۹ قانون مجازات اسلامی، تقصیر او
مفروض دانسته شده است و در صورت
ورود خسارت به بیمار، پزشک باید عدم
تقصیر خود را اثبات کند.
در صورتی که پزشک از بیمار یا ولی او برائت
اخذ نموده باشد، اصل عدم تقصیر اوست
و در این حالت اگر خسارتی به بیمار وارد



نقش قراردادهای حقوقی در موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی

مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای پیشرفته



افسانه حاجیلو

دکتر DBA حقوق تجارت بین الملل،
کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی

چکیده

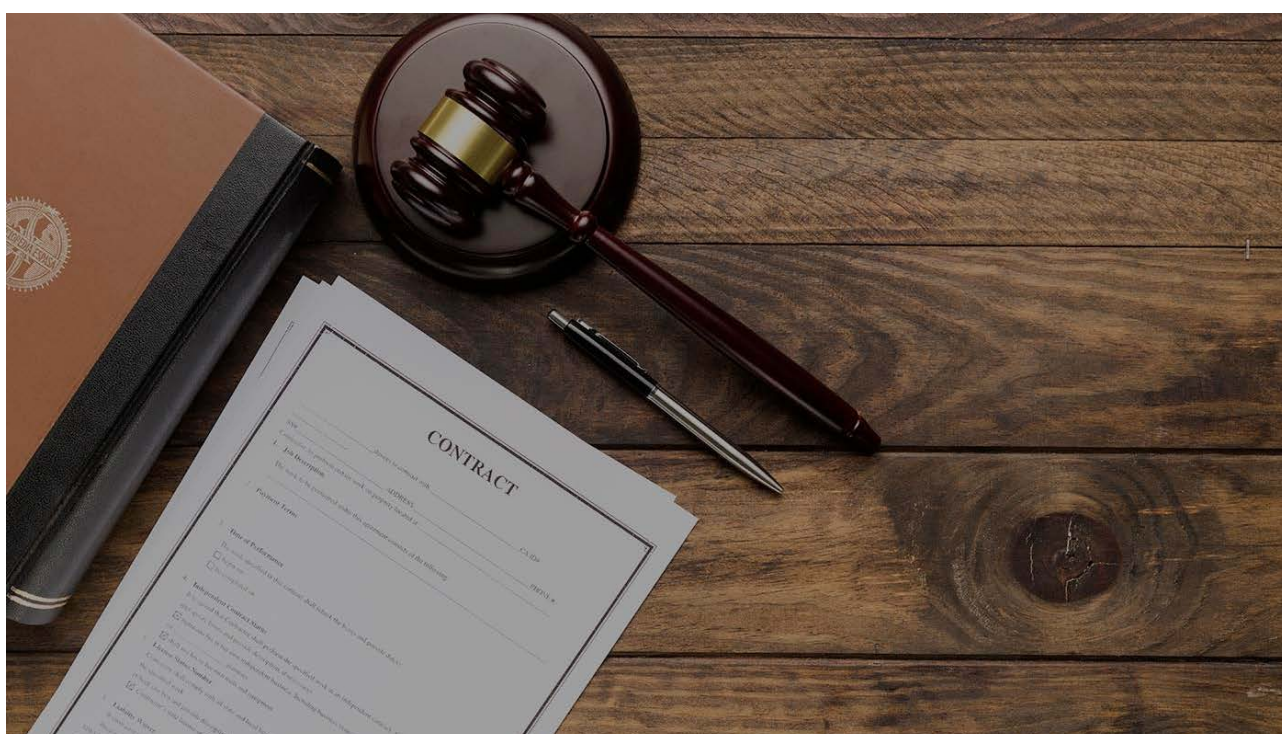
این مقاله به بررسی نقش حیاتی قراردادهای حقوقی در موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی با تمرکز ویژه بر مقایسه وضعیت ایران با کشورهای پیشرفته در این زمینه می‌پردازد. انتقال تکنولوژی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی و صنعتی کشورها شناخته می‌شود و قراردادهای حقوقی نقشی اساسی در تسهیل و تضمین موفقیت این فرایند ایفا می‌کنند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که علی‌رغم پیشرفت‌های قابل توجه، ایران همچنان با چالش‌هایی در زمینه تدوین و اجرای مؤثر قراردادهای انتقال تکنولوژی مواجه است. در پایان، راهکارهایی برای بهبود وضعیت حقوقی و قراردادی انتقال تکنولوژی در ایران، با الهام از تجربیات موفق کشورهای پیشرفته ارائه می‌شود.

مقدمه

قراردادهای انتقال تکنولوژی، به عنوان توافقنامه‌های حقوقی بین انتقال‌دهنده و گیرنده

کلیدواژه‌ها

انتقال تکنولوژی، قراردادهای حقوقی، مطالعه تطبیقی، ایران، کشورهای پیشرفته، توسعه اقتصادی، حقوق مالکیت فکری





تکنولوژی، چارچوبی را برای تعیین حقوق و تعهدات طرفین، شرایط انتقال، محافظت از حقوق مالکیت فکری و مکانیسم‌های حل اختلاف فراهم می‌کنند. اهمیت این قراردادها در موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی غیرقابل انکار است؛ زیرا آنها نه تنها امنیت حقوقی لازم را برای طرفین فراهم می‌کنند، بلکه زمینه را برای انتقال مؤثر و پایدار دانش و فناوری نیز مهیا می‌سازند.

ایران، به عنوان کشوری در حال توسعه با اهداف بلند پروازانه در زمینه پیشرفت علمی و فناوری، توجه ویژه‌ای به مقوله انتقال تکنولوژی داشته است. با این حال، چالش‌های متعددی در زمینه تدوین و اجرای مؤثر قراردادهای انتقال تکنولوژی در کشور وجود دارد.

این پژوهش با هدف بررسی نقش قراردادهای حقوقی در موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی و مقایسه تطبیقی وضعیت ایران با کشورهای پیشرفته انجام شده است. سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

قراردادهای حقوقی چه نقشی در موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی ایفا می‌کنند؟

تفاوت‌های اصلی در رویکردهای قراردادی انتقال تکنولوژی بین ایران و کشورهای پیشرفته چیست؟

چه چالش‌هایی در زمینه تدوین و اجرای قراردادهای انتقال تکنولوژی در ایران وجود دارد؟

چه راهکارهایی برای بهبود وضعیت حقوقی و قراردادی انتقال تکنولوژی در

ایران می‌توان ارائه داد؟

برای پاسخ به این سوالات، این مقاله ابتدا به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش در زمینه انتقال تکنولوژی و قراردادهای مرتبط می‌پردازد؛ سپس با استفاده از روش تحلیلی-تطبیقی به مقایسه وضعیت ایران و کشورهای پیشرفته در زمینه قراردادهای انتقال تکنولوژی پرداخته و چالش‌های موجود را شناسایی می‌کند. در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهایی برای بهبود وضعیت حقوقی و قراردادی انتقال تکنولوژی در ایران ارائه می‌شود.

این مطالعه می‌تواند برای سیاست‌گذاران، حقوقدانان، مدیران صنعتی و پژوهشگران حوزه انتقال تکنولوژی مفید باشد و زمینه را برای بهبود فرآیندهای قانونی و قراردادی مرتبط با انتقال تکنولوژی در ایران فراهم کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

انتقال تکنولوژی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی در جهان

معاصر شناخته می‌شود. این فرآیند شامل انتقال دانش فنی، مهارت‌ها و فناوری‌های پیشرفته از یک سازمان یا کشور به دیگری است. در این بخش به بررسی مفاهیم کلیدی و پیشینه پژوهش در زمینه انتقال تکنولوژی و نقش قراردادهای حقوقی در این فرآیند می‌پردازیم.

مفهوم انتقال تکنولوژی

انتقال تکنولوژی فرآیندی است که طی آن دانش، مهارت‌ها، و فناوری‌های توسعه یافته در یک محیط، به محیطی دیگر منتقل می‌شود. این فرآیند می‌تواند بین شرکت‌ها، صنایع، یا حتی کشورها صورت گیرد.

اهمیت قراردادهای حقوقی در انتقال

تکنولوژی

قراردادهای حقوقی نقشی حیاتی در تسهیل و تضمین موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی ایفا می‌کنند. این قراردادها چارچوبی قانونی برای تعیین حقوق و تعهدات طرفین، شرایط انتقال، محافظت از حقوق مالکیت فکری و مکانیسم‌های حل



ضعف در زیرساخت‌های قانونی و نهادی و کمبود تجربه در مدیریت پروژه‌های پیچیده انتقال تکنولوژی از جمله موانع موجود هستند.

◀ روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-تطبیقی انجام شده است. هدف اصلی بررسی نقش قراردادهای حقوقی در موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی و مقایسه وضعیت ایران با کشورهای پیشرفته در این زمینه است. برای دستیابی به این هدف، از منابع مختلف شامل کتب، مقالات علمی، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و اسناد قانونی استفاده شده است.

◀ گردآوری داده‌ها

- مطالعه کتابخانه‌ای: بررسی منابع علمی معتبر در زمینه انتقال تکنولوژی و قراردادهای مرتبط.
- تحلیل اسناد: بررسی قوانین و مقررات مربوط به انتقال تکنولوژی در ایران و کشورهای پیشرفته.
- مطالعات موردی: بررسی نمونه‌های موفق و ناموفق پروژه‌های انتقال تکنولوژی در ایران و کشورهای پیشرفته.

◀ تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوا و مقایسه تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این روش امکان شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در رویکردهای قراردادی انتقال تکنولوژی بین ایران و کشورهای پیشرفته را فراهم می‌کند.

◀ محدودیت‌های پژوهش

- دسترسی محدود به برخی اطلاعات محرمانه مربوط به قراردادهای انتقال تکنولوژی.
- تغییرات سریع در فضای قانونی و سیاسی که ممکن است بر انتقال تکنولوژی تأثیر بگذارد.

اختلاف فراهم می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که قراردادهای مناسب و جامع می‌توانند ریسک‌های مرتبط با انتقال تکنولوژی را کاهش داده و احتمال موفقیت پروژه را افزایش دهند.

◀ چالش‌های حقوقی در انتقال تکنولوژی

علی‌رغم اهمیت انتقال تکنولوژی، این فرآیند با چالش‌های حقوقی متعددی روبرو است. برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از:

- حفاظت از حقوق مالکیت فکری
- تعیین ارزش واقعی تکنولوژی
- مسائل مربوط به محرمانگی و افشای اطلاعات

- تفاوت‌های قانونی و نظارتی بین کشورها
- مدیریت ریسک‌های مرتبط با انتقال تکنولوژی

مطالعات تطبیقی در زمینه انتقال تکنولوژی مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که کشورهای مختلف رویکردهای متفاوتی نسبت به قوانین و مقررات انتقال تکنولوژی دارند. به عنوان مثال کیم (۲۰۰۳) در مطالعه خود نشان داد که کشورهای شرق آسیا مانند کره جنوبی و ژاپن، سیاست‌های چشمگیری در زمینه جذب و بومی‌سازی تکنولوژی‌های خارجی داشته‌اند.

◀ وضعیت انتقال تکنولوژی در ایران

در ایران انتقال تکنولوژی به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی توسعه اقتصادی و صنعتی شناخته شده است. با این حال مطالعات نشان می‌دهد که کشور با چالش‌هایی در زمینه تدوین و اجرای مؤثر قراردادهای انتقال تکنولوژی مواجه است. عواملی مانند تحریم‌های بین‌المللی،

تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی بین کشورها که ممکن است بر تفسیر و اجرای قراردادهای تأثیر بگذارد.

در این بخش، به بررسی جنبه‌های مختلف این نوع از قراردادهای می‌پردازیم:

■ انواع قراردادهای انتقال تکنولوژی
 ■ قراردادهای لیسانس: این نوع قرارداد به گیرنده تکنولوژی اجازه می‌دهد تا از حق اختراع، علامت تجاری یا کپی‌رایت متعلق به انتقال‌دهنده استفاده کند. طبق نظر کنتراکتور و ساگافی-نژاد (۱۹۸۱)، قراردادهای لیسانس یکی از رایج‌ترین اشکال انتقال تکنولوژی هستند.

■ قراردادهای فرانچایز: این قراردادها شامل انتقال حق استفاده از نام تجاری، دانش فنی و سیستم‌های عملیاتی می‌شوند. به گفته آنکتاد (۲۰۰۱)، فرانچایز روشی مؤثر برای انتقال دانش مدیریتی و بازاریابی است.

■ قراردادهای همکاری فنی: در این نوع قرارداد، طرفین برای توسعه یا بهبود تکنولوژی همکاری می‌کنند. این

قراردادها اغلب در صنایع با فناوری پیشرفته ما نند هوافضا یا

داروسازی رایج هستند.

■ قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک: این قراردادهای شامل ایجاد یک شرکت جدید با مشارکت طرفین برای توسعه یا استفاده از تکنولوژی است. کیم (۲۰۰۳) اشاره می‌کند که این نوع قراردادهای در کشورهای در حال توسعه برای جذب سرمایه و فناوری خارجی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند.

■ عناصر کلیدی قراردادهای انتقال تکنولوژی

■ تعریف دقیق تکنولوژی مورد انتقال: این بخش باید شامل جزئیات فنی، دامنه کاربرد و محدودیت‌های استفاده از تکنولوژی باشد.

■ شرایط مالی: شامل هزینه‌های اولیه، حق امتیازها و سایر پرداخت‌های مرتبط با انتقال تکنولوژی.

■ مدت زمان قرارداد و شرایط تمدید یا فسخ آن.

■ تعهدات طرفین: شامل تعهدات انتقال‌دهنده در ارائه آموزش و پشتیبانی فنی، و تعهدات گیرنده در استفاده مناسب از تکنولوژی.

■ حقوق مالکیت فکری: تعیین نحوه حفاظت از حقوق مالکیت فکری و شرایط استفاده از آن‌ها.

■ محرمانگی: تعیین اطلاعات محرمانه و شرایط حفظ و استفاده از آن‌ها.

■ مکانیسم‌های حل اختلاف: تعیین روش‌های حل اختلاف احتمالی بین طرفین.

■ چالش‌های حقوقی در قراردادهای انتقال تکنولوژی

■ تعیین ارزش واقعی تکنولوژی: این چالش -به ویژه در مورد فناوری‌های نوظهور که هنوز ارزش بازاری مشخصی ندارند- بیشتر نمود پیدا می‌کند.

■ حفاظت از حقوق مالکیت فکری: به ویژه در کشورهایی که قوانین حمایت از مالکیت فکری ضعیف یا اجرای آن‌ها دشوار است، این چالش برجسته‌تر می‌شود.

■ تفاوت‌های قانونی و نظارتی بین کشورها: این تفاوت‌ها می‌تواند منجر به پیچیدگی‌های حقوقی در قراردادهای بین‌المللی انتقال تکنولوژی شود.

■ مدیریت ریسک: شناسایی و مدیریت ریسک‌های مرتبط با انتقال تکنولوژی؛ از جمله ریسک‌های فنی، تجاری و سیاسی.

■ نقش قراردادهای حقوقی در موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی

قرارداد حقوقی مناسب می‌تواند به طرق زیر به موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی کمک کند:

■ ایجاد شفافیت:

تعریف دقیق حقوق و تعهدات طرفین، کاهش



ابهامات و سوء تفاهم‌های احتمالی.

- مدیریت ریسک: پیش‌بینی و مدیریت ریسک‌های احتمالی از طریق تعیین مسئولیت‌ها و مکانیسم‌های جبران خسارت.
- حفاظت از منافع طرفین: تضمین حقوق مالکیت فکری و منافع تجاری هر دو طرف قرارداد.
- تسهیل همکاری: ایجاد چارچوبی برای همکاری مستمر و مؤثر بین انتقال دهنده و گیرنده تکنولوژی.
- حل اختلافات: ارائه مکانیسم‌های مؤثر برای حل اختلافات احتمالی و جلوگیری از توقف پروژه.

◀ مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای پیشرفته

در این بخش، به مقایسه رویکردهای ایران و کشورهای پیشرفته در زمینه قراردادهای انتقال تکنولوژی می‌پردازیم. این مقایسه به ما کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف رویکرد ایران را شناسایی کرده و راهکارهایی برای بهبود وضعیت ارائه دهیم. چارچوب قانونی:

◀ ایران:



- قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایران مصوب ۱۳۹۸

- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶

- قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۸۹

این قوانین چارچوبی برای حمایت از انتقال تکنولوژی و حفاظت از مالکیت فکری در ایران فراهم می‌کنند. با این حال، طبق مطالعه سوفی و قاضی‌نوری ۲۰۱۳ اجرای مؤثر این قوانین با چالش‌هایی روبرو است. کشورهای پیشرفته:

- ایالات متحده: قانون بای-دول (Bayh-Dole Act) که انتقال تکنولوژی از دانشگاه‌ها به بخش خصوصی را تسهیل می‌کند.

- اتحادیه اروپا: چارچوب قانونی جامع برای حمایت از مالکیت فکری و تسهیل انتقال تکنولوژی بین کشورهای عضو.

- ژاپن: قوانین خاص برای تشویق همکاری صنعت و دانشگاه در زمینه انتقال تکنولوژی.



■ نهادهای حمایتی:

◀ ایران:

- معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری
- صندوق نوآوری و شکوفایی
- پارک‌های علم و فناوری

◀ کشورهای پیشرفته:

- آلمان: شبکه گسترده انستیتوهای فراونهورفر برای تسهیل انتقال تکنولوژی.
- کره جنوبی: آژانس ترویج صنعت و تکنولوژی کره (KIAT) که نقش مهمی در هماهنگی بین بخش‌های مختلف ایفا می‌کند.

■ رویکرد به قراردادهای انتقال تکنولوژی:

◀ ایران:

- تمایل به قراردادهای جامع و مفصل
- تأکید بر انتقال کامل دانش فنی
- محدودیت‌هایی در زمینه پرداخت حق امتیاز به شرکت‌های خارجی به دلیل تحریم‌ها

◀ کشورهای پیشرفته:

- انعطاف‌پذیری بیشتر در قراردادها
 - تمرکز بر ایجاد ارزش مشترک
 - استفاده گسترده از قراردادهای همکاری فنی و سرمایه‌گذاری مشترک
- حمایت از حقوق مالکیت فکری:

◀ ایران:

- علیرغم وجود قوانین حمایتی، اجرای آن‌ها با چالش‌هایی روبروست.
- عدم عضویت در برخی معاهدات بین‌المللی مالکیت فکری؛ مانند معاهده همکاری ثبت اختراع (PCT)

◀ کشورهای پیشرفته:

- سیستم قوی حمایت از مالکیت فکری
- عضویت در اکثر معاهدات بین‌المللی

مالکیت فکری

- دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری

■ مدیریت ریسک در قراردادها:

◀ ایران:

- تمایل به انتقال بیشتر ریسک به طرف خارجی
- محدودیت در استفاده از برخی مکانیسم‌های بین‌المللی حل اختلاف به دلیل تحریم‌ها

◀ کشورهای پیشرفته:

- رویکرد متعادل‌تر به تقسیم ریسک
 - استفاده گسترده از داوری بین‌المللی و سایر مکانیسم‌های حل اختلاف
- چالش‌های خاص ایران:



- تحریم‌های بین‌المللی که دسترسی به برخی فناوری‌های پیشرفته را محدود می‌کند
- نوسانات ارزی که بر ارزش‌گذاری و پرداخت‌های مرتبط با انتقال تکنولوژی تأثیر می‌گذارد
- عدم اطمینان سیاسی که می‌تواند بر تمایل شرکت‌های خارجی به انتقال تکنولوژی تأثیر بگذارد
- نقاط قوت ایران:
 - نیروی کار تحصیل‌کرده و مستعد در زمینه‌های فنی و مهندسی
 - تجربه در بومی‌سازی فناوری‌های وارداتی
 - پتانسیل بازار بزرگ داخلی که می‌تواند برای شرکت‌های خارجی جذاب باشد
 - درس‌هایی از کشورهای پیشرفته:
 - ایجاد پلتفرم‌های همکاری بین دانشگاه و صنعت مانند مدل آلمان
- تدوین سیاست‌های هدفمند برای جذب و بومی‌سازی فناوری‌های پیشرفته مانند مدل کره جنوبی
- ایجاد مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌هایی که در انتقال تکنولوژی سرمایه‌گذاری می‌کنند مانند مدل سنگاپور
- این مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که علیرغم پیشرفت‌های قابل توجه، ایران همچنان با چالش‌هایی در زمینه تدوین و اجرای مؤثر قراردادهای انتقال تکنولوژی مواجه است.
 - چالش‌ها و راهکارهای بهبود قراردادهای انتقال تکنولوژی در ایران:
 - چالش: ضعف در اجرای قوانین حمایت از مالکیت فکری
- ◀ **راهکار:**
 - تقویت سیستم قضایی در رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری
 - ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به موضوعات مرتبط با مالکیت فکری و انتقال تکنولوژی
 - آموزش مستمر قضات و وکلا در زمینه حقوق مالکیت فکری و قراردادهای انتقال تکنولوژی
 - چالش: محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی
- ◀ **راهکار:**
 - تمرکز بر همکاری با کشورهای غیرتحریم‌کننده
 - استفاده از مکانیسم‌های مالی جایگزین برای تسهیل پرداخت‌های بین‌المللی
 - تقویت ظرفیت‌های داخلی برای توسعه فناوری‌های کلیدی

■ چالش: عدم هماهنگی بین نهادهای مرتبط با انتقال تکنولوژی

➤ راهکار:

- ایجاد یک نهاد مرکزی برای هماهنگی سیاست‌های انتقال تکنولوژی
- تدوین استراتژی ملی انتقال تکنولوژی با مشارکت تمامی ذینفعان
- ایجاد پلتفرم‌های همکاری بین دانشگاه، صنعت و دولت
- چالش: کمبود تجربه در تنظیم قراردادهای پیچیده انتقال تکنولوژی

➤ راهکار:

- برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی برای حقوقدانان و مدیران صنعتی
- استفاده از مشاوران بین‌المللی در تنظیم قراردادهای مهم
- ایجاد بانک اطلاعاتی از نمونه قراردادهای موفق انتقال تکنولوژی
- چالش: عدم اطمینان سیاسی و اقتصادی

➤ راهکار:

- ایجاد مکانیسم‌های تضمین سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های خارجی
- تدوین قوانین شفاف و پایدار برای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه فناوری
- ارائه مشوق‌های مالیاتی برای شرکت‌هایی که در انتقال تکنولوژی سرمایه‌گذاری می‌کنند
- چالش: ضعف در ارزیابی و ارزش‌گذاری تکنولوژی

➤ راهکار:

- ایجاد مراکز تخصصی ارزیابی و ارزش‌گذاری تکنولوژی
- آموزش متخصصان در زمینه روش‌های نوین ارزش‌گذاری تکنولوژی
- همکاری با مؤسسات بین‌المللی برای انتقال دانش در زمینه ارزیابی تکنولوژی
- چالش: کمبود منابع مالی برای پروژه‌های انتقال تکنولوژی

راهکار:

- ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر دولتی - خصوصی

- تسهیل دسترسی شرکت‌های دانش‌بنیان به منابع مالی

- ایجاد مشوق‌های مالی برای بانک‌ها جهت تأمین مالی پروژه‌های انتقال تکنولوژی

➤ نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این پژوهش نشان می‌دهد که قراردادهای حقوقی نقش حیاتی در موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی ایفا می‌کنند. مقایسه وضعیت ایران با کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که علیرغم پیشرفت‌های قابل توجه، ایران همچنان با چالش‌هایی در زمینه تدوین و اجرای مؤثر قراردادهای انتقال تکنولوژی مواجه است.

برای بهبود وضعیت حقوقی و قراردادی انتقال تکنولوژی در ایران، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

■ اصلاح و به‌روزرسانی قوانین مرتبط با انتقال تکنولوژی و مالکیت فکری

■ تقویت نهادهای حمایتی و ایجاد هماهنگی بیشتر بین آن‌ها

■ ارتقای سطح دانش و مهارت متخصصان

حقوقی در زمینه قراردادهای انتقال تکنولوژی

■ ایجاد مکانیسم‌های مؤثر برای ارزیابی و ارزش‌گذاری تکنولوژی

■ تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در زمینه انتقال تکنولوژی، با در نظر گرفتن محدودیت‌های موجود

■ توسعه زیرساخت‌های لازم برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها در جذب و بومی‌سازی فناوری‌های پیشرفته

■ ایجاد سیستم‌های نظارتی مؤثر برای اطمینان از اجرای صحیح قراردادهای انتقال تکنولوژی

تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در زمینه انتقال تکنولوژی، با در نظر گرفتن محدودیت‌های موجود

در نهایت، باید توجه داشت که بهبود وضعیت قراردادهای انتقال تکنولوژی در ایران نیازمند یک رویکرد جامع و همه‌جانبه است که شامل اصلاحات قانونی، تقویت نهادهای حمایتی، ارتقای دانش و مهارت‌های تخصصی، و ایجاد فضای مناسب برای همکاری‌های بین‌المللی می‌شود.

با اجرای این اصلاحات، ایران می‌تواند گام‌های مؤثری در جهت تسهیل انتقال تکنولوژی و تقویت نوآوری در کشور بردارد.

این مقاله تلاش کرده است تا با ارائه یک دیدگاه جامع و تحلیلی، نقش قراردادهای حقوقی در موفقیت پروژه‌های انتقال تکنولوژی را بررسی کند و راهکارهایی برای بهبود وضعیت در ایران ارائه دهد.

امید است که یافته‌های این پژوهش بتواند به سیاست‌گذاران، حقوقدانان و فعالان صنعت در بهبود فرآیندهای انتقال تکنولوژی کمک کند.

برای بهبود وضعیت در ایران ارائه دهد.

امید است که یافته‌های این پژوهش بتواند به سیاست‌گذاران، حقوقدانان و فعالان صنعت در بهبود فرآیندهای انتقال تکنولوژی کمک کند.

برای بهبود وضعیت در ایران ارائه دهد.

امید است که یافته‌های این پژوهش بتواند به سیاست‌گذاران، حقوقدانان و فعالان صنعت در بهبود فرآیندهای انتقال تکنولوژی کمک کند.

برای بهبود وضعیت در ایران ارائه دهد.

امید است که یافته‌های این پژوهش بتواند به سیاست‌گذاران، حقوقدانان و فعالان صنعت در بهبود فرآیندهای انتقال تکنولوژی کمک کند.

منابع

- سوفی، ع.، و قاضی‌نوری، س.، علم و نوآوری در ایران: توسعه، پیشرفت و چالش‌ها، انتشارات اشپیرینگر، ۱۳۹۲
- موری، د.، نلسون، ر.، سمپت، ب.، و زیدونیس، آ.، برج عاج و نوآوری صنعتی: انتقال فناوری دانشگاه-صنعت قبل و بعد از قانون بای-دول، انتشارات دانشگاه استنفورد، ۲۰۱۵
- کمیسیون اروپا، انتقال فناوری و مالکیت فکری: تسهیل دسترسی به تأمین مالی، بهبود شفافیت، ۲۰۱۴
- موتوهایشی، ک.، و یون، ایکس، اصلاح نظام نوآوری چین و افزایش پیوندهای صنعت و علم. سیاست پژوهشی، ۱۲۶۰، ۱۲۵۱، ۲۰۰۷
- سلطانی، ب.، و موپیت، س.، اهمیت ارزش‌های اصلی اخلاق، یکپارچگی و پاسخگویی در کدهای حاکمیت شرکتی اروپا. مجله مدیریت و حاکمیت، ۲۰۱۵، ۲۸۴.
- کومین، د.، ترامبول، ج.، و یانگ، ک.، فراونهورف: نوآوری در آلمان. در محرک‌های رقابت‌پذیری، ۴۴۴-۴۰۹، ۲۰۱۶
- لی، ک.، دستیابی به فناوری: موانع و فرصت‌ها. مجله آسیایی نوآوری فناوری، ۱۳۱۹۷، ۲۰۰۵
- کنتراکتور، ف. ج.، و ساگافی-نژاد، ت.، انتقال فناوری بین‌المللی: مسائل عمده و پاسخ‌های سیاستی، مطالعات کسب و کار بین‌المللی ۱۱۳، ۱۳۵، ۱۹۸۱
- آنکتاد، انتقال فناوری، مجموعه آنکتاد در مورد مسائل در توافقنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، ۲۰۰۱
- بوزمن، ب.، انتقال فناوری و سیاست عمومی: مروری بر تحقیقات و نظریه، سیاست پژوهشی، ۶۵۵-۶۲۷، ۲۰۲۱
- کیم، ل.، انتقال فناوری و حقوق مالکیت فکری، پروژه آنکتاد-آی‌سی‌تی‌اس‌دی در مورد حقوق مالکیت فکری و توسعه پایدار، ۲۰۰۳
- آروا، آ.، و کامباردلا، آ.، بازار فناوری. کتاب راهنمای اقتصاد نوآوری، ۶۷۸-۶۴۱، ۲۰۱۰
- ماسکوس، ک. ای.، تشویق انتقال فناوری بین‌المللی جلد ۷ ژنو: پروژه آنکتاد-آی‌سی‌تی‌اس‌دی در مورد حقوق



۶۶ مطالعه تطبیقی طلاق توافقی در ایران و فرانسه

حنانه ترابی و روزان امیری

دانشجویان کارشناسی حقوق دانشگاه الزهرا (س)



مقدمه

طلاق در اصطلاح به معنی انحلال نکاح دائم با تشریفات خاص و پایان دادن زندگی زناشویی است و عمل حقوقی یک جانبه ای (ایقاعی) است که با اعلام اراده یک طرفه مرد یا نماینده او واقع میشود؛ به عبارت دیگر حق طلاق علی الاصول در دست مرد است. یکی از نهاد های موجود در امر طلاق، طلاق توافقی است. طبق این نهاد زن و شوهر توافق خود را برای انحلال عقد نکاح و نیز حل و فصل تمام وابستگی های مالی و مسائل فرزندان مشترک به محکمه خانواده برده، و با تحصیل گواهی عدم امکان سازش، زمینه جدایی از یکدیگر را فراهم می کنند.

عنوان طلاق توافقی که در ایران به موضوعی پرتکرار بدل شده است در سال ۹۹ هم رشد قابل توجهی داشته، و با وجود تعداد ۱۸۳ هزار و ۱۹۳ عدد طلاق ثبت شده در سال ۹۹، میزان رشد طلاق در ایران حدود ۳.۶ درصد نسبت به سال ۹۸ بوده است. درصد بالای طلاق که بخش قابل توجهی از آن به طلاق توافقی تعلق دارد آن را به موضوعی قابل بحث تبدیل میکند. قوانین ما طبق اصل چهارم قانون اساسی بر موازاتی حاکم شده است که فقه و نظر فقهای فقهی را در مورد طلاق



به اراده زوج و درخواست زوجه طلاق دیگری با این عنوان «طلاق توافقی» ذکر شده است که ظاهراً منحصر به خلع و مبرات نیست. همانطور که از کلمه توافق معلوم است، طلاق توافقی، نوعی طلاق است که بین زن و شوهر با توافق هردو صورت می گیرد که در تضاد با طلاق در فقه امامیه قرار می گیرد. اگر مبنا را بر آن بگذاریم که اراده مرد و زن در طلاق توافقی به یک میزان است در واقع طرفین برای دوری از کشمکش های رویه دادگاه ها و جنجال و

توافقی دارای اهمیت می داند. ضمن اینکه برخی ماهیت آن را عقد و برخی ایقاع می دانند و یا بسیاری ماهیت آن را مانند ماهیت خلع و مبرات میدانند؛ اما طلاق توافقی که در مفهوم عرفی از طلاق سراغ داریم متفاوت است، ما نیز سعی داریم در این یادداشت قوانین حاکم بر طلاق توافقی در ایران و مبنای آن در فقه و طلاق توافقی در فرانسه را بایکدیگر تطبیق و مقایسه کنیم.

طلاق توافقی

در قانون حمایت خانواده علاوه بر طلاق

تنش طلاق توافقی را ترجیح می دهند.

❖ طلاق توافقی در عرف، طلاقی بدون فدیة زوجه به زوج است. اما در خلع و مبارات مطابق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی، طلاق خلع آن است که زن بواسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر میدهد طلاق می گیرد؛ اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد. و مطابق ماده ۱۱۴ قانون مدنی، طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد؛ اما اینکه ماهیت حقوقی طلاق توافقی چیست و بر کدام مبنا استوار شده است اهمیت زیادی دارد. طلاق توافقی را اگر عقد در نظر بگیریم برای صحت عقد به قصد و رضایت سالم هر دو نیاز داریم، اما اگر آن را یک ایقاع بنامیم اراده زوج کفایت خواهد کرد. با مشخص شدن ماهیت حقوقی خلع، وضعیت انشای آن نیز روشن خواهد شد. به طوری که مشخص خواهد شد پس از خلع اجرای صیغه طلاق ضرورت دارد یا به صرف خلع، طلاق واقع خواهد شد. فقهای معاصر ماهیت طلاق توافقی را مانند ماهیت طلاق خلع و مبارات می پندارند.

❖ درباره ماهیت خلع سه نوع نظریه وجود دارد. برخی قائل به عقد و برخی ایقاع و یا نظریه دوگانه هستند. معتقدین به این نظریه می گویند خلع مرکب از دو عمل حقوقی است در این مرحله در ابتدا یک عمل حقوقی بین زوج و زوجه اتفاق می افتد که زوج قبول میکند بخاطر کراهت زوجه با دریافت مالی او را با اراده خود طلاق

دهد که این عمل حقوقی دوم است.

❖ برخی طلاق توافقی را نوعی عقد معوض می دانند چون با پرداخت فدیة توسط زوجه هست که زوج رضایت به طلاق می دهد. معاوضه از اقسام معاملات بوده، که در آن ها مالیت داشتن مورد معامله جزو شروط اساسی صحت عقد می باشد. در حالیکه در خلع، آنچه به زوجه خواهد رسید طلاق است که ارزش مالی نداشته و مصداق مبادله دو مال نمی باشد. (نجفی، ۱۴۰۹، ج ۵، ق. ۲۲: ۳۳)

❖ برخی از نویسندگان قائل به ماهیت دوگانه برای خلع هستند، بطوریکه آن را متشکل از یک عقد و یک ایقاع می دانند.

❖ یکی از انواع طلاق بائن، طلاق خلع است که در این نوع طلاق، زن مالی را به زوج میدهد که میت و اند کمتر یا بیشتر از مرجوعه باشد و طلاق بگیرد. طلاق خلع هر چند ساده به نظر میرسد ولی چالش های عمده ای دارد در مورد رجوع از بذل، زن فقط باید در ایام عده به فدیة رجوع نماید و مرد باید از رجوع آگاهی داشته باشد. و همچنین زوجه باید برای پرداخت به فدیة رضایت داشته باشد و در مورد اسقاط حق رجوع زن به فدیة میتوان گفت شرط بی فایده ای است؛ چون اگر در قالب شرط فعل باشد و زوج از رجوع آگاهی داشته باشد این رجوع صحیح است.

❖ ماهیت مبارات

❖ از نظر بسیاری از فقها ماهیت خلع و مبارات یکی هست. طلاق های توافقی در ایران به این صورت هست که شامل دو عمل حقوقی است؛ اولی میان زن و مرد

که به موجب آن یا زوجه مالی را به زوج تملیک و در مقابل حق رجوع زوج را اسقاط می کند. در طلاقیهای توافقی در قالب خلع و یا قرارداد فی مابین، زوجین در خصوص شرایطی مثل میزان پرداخت مهریه، حضانت فرزندان و .. بوده که در مقابل انجام طلاق توسط زوج، منعقد گشته و مبنای صدور گواهی های مربوطه توسط دادگاه می شود. بخش دوم نیز ایقاع یک جانبه زوج نسبت به طلاق است.

❖ تشریفات طلاق توافقی در ایران

❖ ثبت نام در سامانه تصمیم: پس از توافق زوجین بر سر موضوعاتی مانند نفقه، مهریه و ... زوجین موظف به ثبت نام در سامانه تصمیم و ثبت اطلاعات خود هستند و سپس از این سامانه یک وقت مشاوره میگیرند.

❖ مشاوره های اجباری: پس از گرفتن وقت مشاوره از سایت، هر دو نفر بین ۴ تا ۸ جلسه در این جلسات حضور پیدا کرده و در این مدت که زوجین در حال قانع کردن مشاور برای عدم امکان ادامه زندگی در کنار یکدیگر هستند، مشاورین هم سعی دارند با ارائه راهکارهای مناسب، زوجین را از تصمیم خود منصرف سازند.

❖ گواهی عدم انصراف از طلاق: پس از گذراندن جلسات مشاوره و پس از گذشتن ۴۵ روز از آخرین جلسه در صورتی که مشاوران موفق نشوند صلح و سازش را میان زوجین برقرار کنند و زوجین نیز از طلاق منصرف نشوند، گواهی عدم انصراف از طلاق صادر می شود.

❖ تنظیم دادخواست طلاق توافقی توسط دفاتر خدمات الکترونیک قضایی: پس از

دریافت این گواهی زوجین می توانند در دفاتر خدمات قضایی یک دادخواست برای طلاق توافقی ثبت کنند.

◀ حضور در جلسه رسیدگی و صدور رای: با وصول پرونده به شعبه، شعبه مربوطه اقدام به تعیین وقت جلسه رسیدگی می کند و در جلسه رسیدگی قاضی با توجه به تبصره ۱۹ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ با بررسی نظر کارشناس مشاوره و با در نظر گرفتن توافقات طرفین اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش (رای طلاق توافقی) می کند. مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش براساس ماده ۳۴ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ سه ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی و یا قطعی شدن رأی می باشد.

◀ ارجاع زوجه به پزشکی قانونی: مطابق ماده ۳۱ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ زوجه به پزشک قانونی معرفی می شود تا مشخص شود باردار هست یا خیر و یا باکره هست یا خیر. ارائه این گواهی برای ثبت طلاق الزامی است.

◀ حضور در دفترخانه و اجرای صیغه طلاق: براساس ماده ۳۷ قانون حمایت خانواده پس از صدور گواهی عدم امکان سازش زوجین موظف هستند ظرف مدت ۳ ماه از صدور این گواهی، به دفاتر ثبت طلاق مراجعه کنند و اجرای صیغه طلاق و ثبت آن را تقاضا کنند.

◀ تشریفات طلاق توافقی در فرانسه

◀ تفاهم و توافق زوجین بر طلاق: در این مرحله زوجین تشخیص می دهند که ادامه زندگی برای ایشان به صلاح نیست و تفاهم بر جدایی دارند.

◀ تنظیم توافق نامه جهت تنظیم

نتایج طلاق: در مرحله دوم نیاز است که زوجین توافق نامه هایی را تنظیم نمایند. مطابق ماده ۲۳۰ قانون مدنی فرانسه زوجین زمانی که راجع به انحلال ازدواج و آثار آن تفاهم داشته و توافق نامه هایی برای تنظیم نتایج طلاق به تأیید دادرس برسانند، می توانند به اتفاق درخواست طلاق دهند.

◀ درخواست طلاق توسط وکلای اختصاصی یا وکیل منتخب مشترک زوجین: مطابق ماده ۲۵۰ قانون مدنی فرانسه درخواست طلاق توسط وکلای اختصاصی طرفین یا وکیل مشترک منتخب ارائه می گردد.

◀ بررسی درخواست طلاق با هریک از

زوجین و هردوی ایشان و وکیل یا وکلای ایشان: در این مرحله دادرس درخواست طلاق را با هریک از زوجین بررسی نموده، سپس ایشان را نزد هم جمع میکند و در نهایت، وکیل یا وکیلان را فرا می خواند.

◀ تأیید توافق نامه توسط دادرس: توافق نامه ماده ۲۳۰ قانون مدنی باید به تأیید دادرس برسد. قاضی برای تأیید این توافق نامه و واقعی بودن اراده هریک از زوجین و آزادانه و صریح بودن رضایت ایشان را مورد بررسی قرار می دهد. ممکن است دادرس تشخیص دهد که توافق نامه به نحو کافی تأمین کننده منافع فرزندان یا یکی از زوجین نیست؛ در این صورت می تواند از تأیید آن و صدور طلاق امتناع کند.

◀ دستور طلاق توسط قاضی: مطابق ماده ۲۵۰-۱ قانون مدنی فرانسه هرگاه دادرس توافق نامه تنظیم شده ی نتایج طلاق را تأیید کند، در همان رأی دستور طلاق را صادر می نماید.

◀ نتیجه

باید گفت زمانی که تعریف دقیقی در منابع قانونی از طلاق توافقی وجود ندارد، طلاق توافقی چیزی جز یک خلاء و ضعف حقوقی انکار ناپذیر نخواهد بود. ضمن اینکه پرداخت فدیة یا گذشت از مهریه که حق زن می باشد زوجہ را در مضایقه مالی قرار خواهد داد که همین موضوع باعث می شود زوجہ و فرزندان ناشی از آن ازدواج در کشمکش های جدایی آسیب ببینند. شباهت های سیستم حقوقی فرانسه با ایران در طلاق توافقی قابل انکار نیست، هرچند در مواردی مانند پرداخت فدیة و ایقاع مرد تفاوت هست، در حقیقت این دو سیستم از لحاظ شکلی به یکدیگر شباهت بیشتری دارند.

◀ منابع

صفایی، دکترسید حسین، امامی، دکتراسد الله مختصر حقوق خانواده، چاپ شصتم، نشریه حقوقی میزان، پاییز ۱۴۰۲
اکبری، مریم، محمد تقی زاده، مهدیه، طلاق توافقی در حقوق ایران و فرانسه، پژوهش های حقوق تطبیقی عدل و انصاف سال سوم پاییز ۱۳۹۹، شماره ۲۱-۴۵
روح افزا، معصومه، میزدا داشی، سید مهدی، چالش های حقوقی طلاق خلع، مطالعات حقوق (تابستان ۱۴۰۰) شماره ۱۸



رویه یکسان نیست و می توان آن را به پنج دسته تقسیم نمود، که شامل ۱. قرآن؛ ۲. روایات؛ ۳. سیره پیامبر(ص)؛ ۴. رویه اهل سنت؛ ۵. رویه اهل تشیع است. در اینجا اجمالاً به بررسی برخی از آنها پرداخته می شود؛ اما پیش از هر چیز باید این نکته را در نظر داشته باشیم که حکم تعدد زوجات در اسلام یک حکم تاسیسی نبوده و جنبه ی امضایی دارد.

◀ در ارتباط با رویه ی نبی اکرم «صلوات الله علیه» با توجه به آنکه اسلام در عصر جاهلیت و در اوج رواج باورهای افراطی ظهور نموده، در مواجهه با بسیاری از عقاید جاهلی، به علت خودداری از منع ناگهانی که نتیجه ای غیر از دین گریزی به بار نمی آورده است، ناگزیر دامنه ی بسیاری از عقاید مروج آن دوره را محدود و مضیق گردانیده است؛ بنظر می رسد چند همسری که از قضا در آن دوره مقوله ای مرسوم بوده است، یکی از مصادیق این محدودیت ها باشد. رسول خدا نیز در عمل همسران زیادی را به عقد خود درآوردند؛ از جمله حضرت خدیجه ، ام سلمه ، زینب ، عایشه و ...

◀ همچنین آیه ای از قرآن که در آن به مقوله ی چند همسری اشاره می شود، آیه ی ۳ سوره نساء، (مشهور به آیه ی عدد) است، که جواز ازدواج با تنها چهار زن را برای مردان صادر نموده است؛ البته که این حکم اختصاص به عقد دائم دارد و بنظر می رسد محدودیتی در ازدواج موقت برای مردان وجود ندارد. لیکن آنچه در اینجا حائز اهمیت است و گویی از نظرها دور مانده، شرطی است که در ادامه ی همان آیه قید

تحلیل فقهی و حقوقی تعدد زوجات و شرایط آن در قوانین فعلی

◀ مهدیسا حدادی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه الزهرا (س)



◀ چند همسری یا ازدواج مجدد، منشی دیرینه است که در طول تاریخ نمونه های بی شماری از خود بر جای گذاشته و نمی توان مصادیق آن را صرفاً محدود به دایره ی اسلام دانست. چنانکه که کریستن سن در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» می گوید: اصل تعدد زوجات، اساس تشکیل خانواده در ایران ساسانی به شمار می رفت. سعید نفیسی نیز در «تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان» راجع به عصر ساسانیان می نویسد: شمار زنانی که مردی می توانست بگیرد نامحدود بوده و گاهی در اسناد یونانی دیده شده است که مردی چند صد زن داشته است. این مقوله، امروزه به علت تحولات و تغییرات عمده در اجتماع، نه تنها طرفداران چندانی

ندارد بلکه در بسیاری از موارد، مخالفان به صراحت و به طور مطلق آن را مردود و قبیح دانسته اند. چنین نظریاتی که غابا ریشه در عقاید فمینیستی دارند در برخی موارد در استدلالات خود، به اصل تساوی حقوق زن و مرد اشاره می کنند. این در حالیست که گرچه دین مقدس اسلام اصل تساوی حقوق زن و مرد را مورد پذیرش قرار داده است، لیکن با تشابه حقوقی آن ها مخالف است؛ چرا که تفاوت ها و تمایزاتی که در اصل ناشی از عدم تشابه و یکنواختی حقوقی است، به علت تمایزات زن و مرد در ویژگی های روحی و جسمانی آنهاست. پرداختن به این مسئله نیازمند واکاوی ژرف بوده و از چارچوب موضوع خارج است. ▶ در ارتباط با جواز تعدد زوجات در اسلام،

گردیده است و آن نیز رعایت عدالت میان زنان می باشد؛ هر چند مصداق و معنای دقیق عدالت مدنظر در این آیه بیان نشده، لیکن از اهمیت آن نیز نمی کاهد. از سوی دیگر در آیه ی ۱۲۹ سوره ی نساء، عدم امکان برقراری عدالت در میان همسران، به مردان هشدار داده شده که بنظر می رسد با در نظر داشتن لزوم رعایت عدالت و از طرفی منتفی دانستن امکان برقراری آن در عمل، ظاهراً اصل جواز تعدد زوجات با نزول آیه ی ۱۲۹ سوره نساء با ابهام مواجه شده است؛ لیکن امام صادق علیه السلام در تشریح مفهوم عدالت در این دو آیه بیان داشته اند که عدالت در آیه ی سوم سوره نساء، عدالت در نفقه بوده و در آیه ی ۱۲۹ مراد از عدالت، محبت قلبی است و تا زمانی که محبت های درونی تاثیری در انجام وظایف زناشویی توسط مردان نگذارد، مانعی ندارد؛ لذا هر چند این توجیه مورد پذیرش است لیکن آنچه مبرهن و قطعی

است آن است که رعایت این نوع عدالت در عمل چندان امکان پذیر نمی باشد. به همین سبب همواره لازم به ذکر است که اگر امکان تحقق این شرط وجود نداشته باشد، انتخاب همسر دیگر جایز نیست و حلیت اتخاذ چهار همسر برای مرد بی قید و شرط نبوده و شرط مذکور نیز از چنان درجه ی اهمیتی برخوردار است که تعدی از آن مانع از اتخاذ همسر دیگر میگردد.

◀ همچنین در روایات متعددی نیز به حکم نکاح دائم و نکاح متعه در بحث تعدد زوجات اشاراتی شده است. قال الصادق (علیه السلام): لا یحل لماء الرجل أن یجری فی أكثر من أربعة أرحام من الحرائر؛ برای مرد حلال نیست که با بیشتر از چهار زن در آمیزد. ◀ مقوله چند همسری اختراع اسلام نبوده و اسلام با توجه به بستر و زمینه ی ظهور خود (عقاید اعراب جاهلی) به ناچار و از روی مصلحت سنجی عمومی و اجتماعی محدوده ی چند همسری را تضییق بخشیده است، لیکن اصل در اسلام بر تک همسری است. فقها بنا بر حکم اولی در مسئله ی جواز تعدد زوجات با رعایت عدالت فقهی که پیشتر بدان اشاره شد، اتفاق نظر دارند؛ لیکن در خصوص آنکه حکم آن ممکن است در شرایط گوناگون حرام، مستحب و یا حتی واجب باشد نظرهای گوناگونی ارائه داده اند.

◀ در قانون مدنی صراحتاً به پذیرش تعدد زوجات اشاره ای نشده است و نمی توان به طور مشخص و دقیق به یک ماده قانونی در خصوص به رسمیت شناختن چنین حقی برای مردان اشاره نمود؛ لذا پیروان بحث چند همسری، آن را به عنوان حقی شرعی برای مردان به رسمیت می شناسند و نه حقی قانونی. برخی سکوت قانونگذار در این موضوع را دلیلی بر منع آن از سمت قانون و برخی دیگر از این سکوت برداشت متفاوتی داشته اند و معتقدند جواز آن امری مسلم و مبرهن می باشد. لیکن در موارد متعددی به طور غیر



مستقیم به مقوله ی تعدد زوجات اشاره شده و گویی این مقوله تلویحاً پذیرفته شده است. (مواد ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۴۲، ۱۰۳۴، ۱۰۴۸، ۱۱۱۹) در ماده ی ۱۱۱۹ مقرر گردیده: طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند؛ مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر، زن دیگر بگیرد، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات شرط در محکمه و صدور حکم نهایی، خود را مطلقه سازد. در ماده ی ۹۴۲ نیز چنان بیان گردیده است که در صورت تعدد زوجات، ربع یا ثمن ترکه که به زوجه تعلق دارد، بین همه آنان بالسویه تقسیم می شود؛ همچنین در مواد دیگری که نام برده شدند، برخی جواز تعدد زوجات را از مواد مذکور برداشت میکنند.

◀ قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ سیستم حقوقی ایران، صراحتاً مقوله ی ازدواج مجدد و چند همسری مردان را مورد پذیرش قرار داد. در ماده ۱۴ این قانون مقرر شده بود که هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن همسر دیگری اختیار نماید، باید از دادگاه تحصیل اجازه کند. دادگاه وقتی اجازه اختیار همسر تازه خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی، توانایی مالی مرد و قدرت او را به اجرای عدالت، احراز کرده باشد. هرگاه مردی بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید، به مجازات مقرر در ماده ۵ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰-۱۳۱۶ محکوم خواهد شد. در این ماده از قانون، تحصیل همسر جدید برای مردان مشروط به اجازه دادگاه و احراز تمکن مالی

مرد بود. لیکن انتقاد اساسی ای که میتوان بدین ماده وارد ساخت آن است که اگر دادگاه در احراز عدالت دچار اشتباه شود، ضمانت اجرای آن چه خواهد بود؟ و آیا اساساً دادگاه می تواند با بررسی و تحقیق، عدالت را به درستی احراز کند؟ این خود مسئله ایست که در عمل کاستی های ماده ی مذکور را بیشتر مشخص خواهد کرد. از طرف دیگر در دیدگاه فقها و برخی از حقوقدانان، ماده ی فوق تطبیق کاملی با فقه اسلامی نداشته و از دیدگاه دکتر صفایی، در اینجا دادگاه صرفاً توانایی مالی مرد و قدرت او به اجرای عدالت را بررسی می کرد و در صورت احراز این دو شرط اجازه ی اختیار همسر مجدد را صادر می نمود؛ لذا شاید همین انتقادات و اشکالات وارده سبب شد که در قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳ اختیار ازدواج مجدد مرد سلب شده و بجز برخی موارد، ممنوع انگاشته شود. بدین معنا که برخلاف ماده ی ۱۴ قانون حقوق خانواده سال ۱۳۴۶ که ازدواج مجدد را برای مرد به رسمیت شناخته بود، ماده ۱۶ قانون حقوق خانواده سال ۱۳۵۳ با رویکردی سلبی حق ازدواج مجدد مرد را از وی سلب کرد؛ مگر در شرایط مشخصی که عبارت بودند از:

۱- رضایت همسر اول

۲- عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی

۳- عدم تمکین زن از شوهر

۴- ابتلاء زن به جنون یا امراض صعبالعلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸

۵- محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸

۶- ابتلاء زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸

۷- ترک زندگی خانوادگی از طرف زن

۸- عقیم بودن زن

۹- غایب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸

◀ فارغ از مورد نخست که ناظر بر رضایت شخصی همسر اول می باشد، موارد دیگر عیوب قهری یا ارادی همسر اول است. پس موضوع مهمی که باید بدان توجه داشت، رویکرد خودداری از تجویز ازدواج مجدد مرد در این قانون بوده است. همچنین مطابق بخشی از ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ که مقرر داشته: «... به هر حال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است، که اگر بخواهد درخواست گواهی عدم امکان سازش از دادگاه نماید. به نظر می رسد برخلاف قانون حمایت خانواده سال ۱۳۴۶ در این قانون، همسر قبلی در تمامی موارد و حتی در صورت رضایت به ازدواج مجدد همسر خود نیز می توانست از دادگاه درخواست گواهی عدم امکان سازش کند. نسبت به قانون سال ۱۳۴۶ که فقط در صورت ازدواج مجدد مرد بدون رضای همسر قبلی، حق درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش را برای زن فراهم می آورد، این خود گامی مثبت در حفظ حقوق زنان به شمار می رفت. و اما برخلاف دیدگاه عموم که تصور میکنند احکام ماده ۱۶، ۱۷، ۱۳۵۳ تنها ناظر بر ازدواج دائم است، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأیی اصراری در این خصوص مقرر داشته است که: «هر مردی که بدون تحصیل

اجازه از دادگاه اقدام به ازدواج مجدد کند به مجازات مقرر در ماده ۵ قانون ازدواج محکوم خواهد شد و نظر به اینکه همسر با نکاح دائم یا موقت اختیار می شود و اطلاق ازدواج به هر مورد اطلاق صحیحی است و قانون مدنی نیز عقد موقت را در فصل ششم از کتاب هفتم تصریح کرده و آن را از اقسام نکاح دانسته است، توجیه و استدلال دادگاه مبنی بر حصر اختیار شوهر در ازدواج مجدد با نکاح دائم و عدم شمول نکاح منقطع، با عموم و اطلاق ماده مزبور موافق نبوده و پشتوانه منطقی ندارد. لذا ازدواج مجدد چه به صورت دائم و چه منقطع، باید با تحصیل اجازه از دادگاه باشد.» لذا نظر به این رأی در تفسیر مواد ۱۶ و ۱۷ قانون سال ۱۳۵۳، تحصیل اجازه از دادگاه در هر دو مورد نکاح دائم و موقت الزامی است.

◀ و اما در اصلاحات بعدی، قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ در ارتباط با ازدواج مجدد مرد سکوت اختیار نمود. در ماده ۲۳ لایحه ی پیشنهادی این قانون، ابتدا اختیار اتخاذ همسر دائم بعدی را موقوف به اخذ اجازه از دادگاه و تعهد اجرای عدالت میان همسران کرده بود، لیکن نظر به آنکه شمول موارد امکان اتخاذ همسر بعدی همچون قانون سال ۱۳۵۳ مشخص نشده بود و این مسئله بستر سوء استفاده را باز می گذاشت، ماده ی مزبور حذف گردید. با این وجود نمیتوان حذف این ماده را بی تأثیر در تفسیر اهمیت محدود نمودن دایره ی ازدواج مجدد دانست.

◀ امروزه در رویه ی قضایی، محاکم آراء متفاوتی دارند. برخی قائل به نسخ مواد ۱۶

و ۱۷ قانون سال ۱۳۵۳ و مراجعه به منابع فقهی در این خصوص هستند. برخی معتقدند احکام قانون سال ۱۳۵۳ همچنان به قوت و اعتبار خود باقی است و دسته ی دیگری قائل به نسخ ماده ۱۶ و ۱۷ در این خصوص و حذف نهاد ازدواج مجدد از نظام حقوقی ایران شده اند. پیروان عدم نسخ مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ در اثبات ادعای خود به ماده ی ۵۸ قانون سال ۱۳۹۱ استناد می ورزند که موارد نسخ را برشمرده، لیکن مواد ۱۶ و ۱۷ سال ۱۳۵۳ را منسوخ ندانسته (پیرو نظر دکتر صفایی). حال آنکه مخالفان این نظر که اعتقاد به نسخ مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ و حذف نهاد ازدواج مجدد از سیستم حقوقی ایران دارند، غالباً ادعان می دارند که با توجه به آنکه قانونگذار در تدوین قانون جدید، قصد گردآوری مجموعه قوانین و مقررات مربوط به حوزه ی خانواده را دارد، باید سکوت او در موردی خاص مانند ازدواج مجدد را حاکی از توجه عالمانه وی به عدم وضع قاعده در مورد موضوع مذکور بوده و نمیتوان به بهانه ی سکوت، ابهام و اجمال قانون جدید به قانون پیشین استناد کرد.

لذا نظر به آنکه آراء محاکم و رویه ی قضائی و همچنین نظرات حقوقدانان در این خصوص، کماکان در برخی از موارد متناقض و متضاد است؛ ناچار می بایست با تحلیل منطقی و البته فقهی بر یکی از آراء صحّه گذاشت و آن را پذیرفت. از نظر نگارنده ی این مقاله با توجه به منابع فقهی و نص صریح قرآن که جواز چند همسری را با رعایت شرط مذکور صادر نموده است و با توجه به اصول ۴، ۱۰ و ۱۶۷ قانون اساسی بنظر می رسد نمیتوان از حکم اسلام و قرآن در خصوص مقوله ی چند همسری چشم پوشی کرد حتی اگر حکم امضایی باشد؛ لذا حذف نهاد چند همسری از سیستم حقوقی ایران با توجه به آنکه نظام حقوقی ما بر مبنای موازین اسلامی است خالی از ابهام و اشکال نخواهد بود. از طرفی با توجه به سیر تطور و دگرگونی مباحث مربوط به چند همسری در قانون حمایت از خانواده در مقام جمع بندی و نتیجه گیری، می بایستی در خصوص سکوت قانون حمایت خانواده ی فعلی در مقوله ی ازدواج مجدد به منظور جلوگیری از تشتت آراء و وسعت بخشیدن به دامنه ی چند همسری و همچنین سوء استفاده های بی شمار از این مسئله و از همه مهمتر با هدف حمایت از حقوق زنان، تکلیف این موضوع در قوانین به صراحت مشخص شود. لیکن تا پیش از آن به منظور جمع حکم قرآن و اسلام در این خصوص با لزوم حمایت از حقوق زنان و جلوگیری از آسیب هایی که جامعه در این صورت متحمل خواهد شد، بنظر میرسد پذیرش مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ به منطق نزدیک تر است.

منابع

قرآن کریم صفایی، سید حسین، امامی، اسد الله، مختصر حقوق خانواده، میزان، ۱۳۸۱.
احمدی فر، رسول، کاکاوند، محمد، مطالعه و بررسی امکان صدور مجوز تعدد زوجات زوج بعد از تصویب قانون حمایت خانواده، فقه و حقوق خانواده، ۱۳۹۱، ۲۵۵.
کریمی، عصمت، تبیین فقهی- حقوقی تعدد زوجات با نگاهی به قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، میبد، ۱۳۹۴
صابری، علی، منسوخ یا معتبر بودن قانون حمایت از خانواده ۱۳۵۳، فصلنامه رأی، ص ۸۳-۸۵، ۱۳۹۳
رضایی، حسین، میرعرب، فرج الله، بررسی شبهات دکتر سها درباره تعدد زوجات در قرآن کریم، مطالعات علوم قرآن، ۱۳۲، ۱۱۳، ۱۳۹۳.

تبیین علمی- فقهی فتوای حضرت آیت الله خامنه ای، دلایل عدم استحباب چند همسری
خرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، گفت و گویی با سید هادی موسوی «وکیل دادگستری»



الناز شهبازی
دانشجوی کارشناسی حقوق
دانشگاه الزهرا (س)

شلاق؛ تنبیهی ناکارآمد یا مجازاتی کاری؟

مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای پیشرفته

تاریخچه شلاق در ایران

اگرچه به نظر می‌رسد شلاق یکی از مجازات‌های اسلامی است، اما این مجازات در ایران باستان نیز وجود داشته است. برای مثال طبق برخی از اسناد و مدارک تاریخی، در دوره هخامنشیان برای برخی جرائم مجازات شلاق در نظر می‌گرفتند.

جایگاه مجازات شلاق در قوانین کیفری ایران

شلاق یا تازیانه یکی از مجازات‌های بدنی برای اصلاح مجرمین در جوامع اسلامی محسوب می‌شود. برای مثال در آیه ۲ سوره نور برای جرم زنا، مجازات شلاق تعیین شده است که باید در حضور گروهی از مؤمنان اجرا شود. از جایی که اکثر قوانین وضع شده در ایران نیز برگرفته از قواعد فقهی است، با کمی جست و جو در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان حدود اجرای مجازات شلاق را مشاهده کرد. در نظام کیفری ایران، شلاق به دو شکل تعزیری و حدی در نظر گرفته شده است؛ بدین ترتیب ممکن است شلاق برای جرائم تعزیری در نظر گرفته شود که در این صورت تعیین چگونگی اجرای آن برعهده قاضی است یا در مواردی مربوط به جرائم حدی شود که کم و کیف آن در قانون مشخص شده است.

کیفیت اجرای مجازات شلاق



مطابق با تبصره ماده ۲۹۳ قانون مجازات اسلامی، آیین‌نامه چگونگی اجرای حکم شلاق توسط وزیر دادگستری تهیه و به امضای رئیس قوه قضاییه می‌رسد. طبق ماده ۲۹ آیین‌نامه مذکور، مجازات شلاق باید به وسیله نواری چرمی در طول ۱ متر و قطر ۱.۵ متر اجرا شود. اگر اجرای حکم در فضای بسته است باید دمای متعادل برقرار باشد و اگر حکم شلاق در فضای باز صورت می‌گیرد نباید شرایط جوی نامطلوب (سرما و گرما بیش از حد) وجود داشته باشد. همچنین تعداد ضربات نیز در شلاق تعزیری توسط قاضی در حکم مشخص می‌شود.

استثنائات اجرای مجازات شلاق

به منظور رعایت حقوق افراد، در صورت وجود بیماری و شرایط خاص مجرم، اجرای حکم شلاق با نظر قاضی اجرای احکام، ممکن است به تعویق افتاده یا منتفی شود. تحقق این استثناء در صورتی است که اجرای حکم، باعث وخیم شدن حال مجرم شود؛ در این صورت مجازات شلاق به مجازات دیگری تبدیل خواهد شد.

تاثیر مجازات شلاق بر مجرم و اصلاح

جامعه

برخی نظریه‌پردازان - خصوصاً طرفداران حقوق فردی انسان‌ها - شلاق را یک مجازات غیرانسانی و خلاف تمدن دانسته و برچسب قرون وسطایی به آن می‌زنند.



عمومی نیز تلقی شود. استدلال دیگر موافقان این است که شلاق در مقایسه با زندان هزینه کمتر و در عین حال تأثیر بهتری روی مجرم دارد. علاوه بر این، آن‌ها با استناد به نظر بکاربا (فیلسوف ایتالیایی)، معتقدند که مجازات هرچقدر سریع‌تر باشد، مفیدتر واقع می‌شود؛ زیرا در این صورت مجرم درگیر عذاب‌ها و بلا تکلیفی‌های بیهوده نخواهد شد. شلاق نیز یکی از مجازات‌های سریع و موثر است. بدین ترتیب طبق نظر موافقان، مجازات شلاق مانند همه مجازات‌ها، ترجیح منافع جمع بر منافع فرد است. بنابراین نباید در قضاوت این مجازات صرفاً بر احساسات اتکا کنیم و آن را اقدامی خشن و غیر انسانی تلقی نماییم.

نتیجه

همانطور که بیان شد با وجود اجرای مجازات شلاق در برخی جرائم تعزیری و حدی، در مؤثر بودن این مجازات تردیدهایی راه یافته است. اگرچه اجرای شلاق حدی با قاطعیت انجام می‌شود، لیکن باید توجه داشت که امروزه در قوانین کیفری، اجرای مجازات شلاق تعزیری بسیار محدود شده و سعی می‌شود شلاق را با مجازات نقدی جایگزین کرد. از طرفی مجریان قانون در نظام کیفری ایران سعی کرده‌اند با مشخص کردن دقیق کیفیت اجرای مجازات و تعیین استثنائاتی بجا و درست، عدالت را برقرار نمایند.

منابع

- زراعت، عباس، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۹۰
- بزمی، شبمن، هاشمی نظری، سعید، دنگ پیایی، محسن، میرجلیلی، محمد حسین، کاظمیان، محمد، مقایسه یافته‌های بالینی و پاراکلینیکی در یک صد مورد از محکومین تحمل کیفر شلاق قبل و بعد از اجرای حکم. مجله علمی پزشکی قانونی، ۲۸۲، ۱۳۹۴
- نجفی توانا، علی، میلکی، ایوب، شلاق، در پرتو اندیشه‌های کیفری، تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳۸۶، ۱۴۵، ۱۷۸

در مقابل افرادی معتقدند، شلاق یکی از مجازات‌های موثر برای اصلاح افراد به حساب می‌آید و جنبه تنبیهی-تربیتی در آن بسیار چشمگیر است.

دیدگاه مخالفان

نگرش بدبینانه مخالفان نسبت به مجازات شلاق، از استدلال‌های مختلفی ناشی می‌شود. مخالفان در ابتدا نقش اصلاحی-تربیتی این مجازات را زیر سوال می‌برند و شلاق را نه یک مجازات بلکه در زمره تنبیه بدنی قرار می‌دهند؛ تنبیهی که به هیچ وجه موجب اصلاح مجرم نخواهد شد؛ بلکه مسبب فسرده شدن و برافروختگی خشم و کینه در وجود او می‌شود. همچنین برای شلاق نمی‌توان نقش بازدارندگی موثری در نظر گرفت. چنانچه در صورت اجرای مجازات شلاق -علی‌الخصوص در ملاءعام- مجرم تحقیر می‌شود و چه بسا ممکن است دست به کارهای خطرناک‌تری نیز بزند. بنابراین اگرچه شلاق می‌تواند هدف ارباب را برای برخی افراد -آن هم در کوتاه‌مدت- فراهم نماید، لکن نقش اصلاحی آن در بلند مدت، چندان چشمگیر به نظر نمی‌رسد؛ علاوه بر این، شلاق با اصول بشردوستانه کنونی نیز منطبق نیست. به همین دلیل است که اکثر کشورهای اروپایی که خود ابداع‌کننده مجازات شلاق در قرون وسطی بوده‌اند، اکنون آن را از زمره قوانین کیفری خود خارج کرده‌اند. برخی نظریه‌پردازان ایرانی نیز معتقدند باید نسبت به مجازات شلاق در قانون فعلی، تجدید نظر جدی صورت گیرد.

دیدگاه موافقان

از دیدگاه موافقان، این مجازات نه تنها نقش بازدارندگی -به صورت فردی- دارد بلکه در صورت اجرا در انظار عمومی، می‌تواند یک مجازات بازدارنده موثر

سخن حقوقدان



نام: امیرناصر کاتوزیان

سابقه علمی: حقوقدان، استاد ممتاز دانشکده حقوق

دانشگاه تهران، وکیل پایه یک دادگستری کانون وکلای

دادگستری و قاضی سابق دادگستری

شناخته شده: پدر علم حقوق ایران

متولد: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۰

درگذشت: ۱۱ شهریور ۱۳۹۳

زندگی نامه: وی تحصیلات ابتدایی را در دبستان اقبال و دوران متوسطه را در دبیرستان علمیه گذراند. سپس وارد دانشگاه تهران شد و به تحصیل در رشته حقوق پرداخت. ایشان در سال ۱۳۳۹ با دفاع از رساله دکترایش با عنوان «وصیت در حقوق مدنی ایران» و نظریه ابتکاری اش با نام «شخصیت حقوقی ترکیه»، دکترای حقوق گرفت. از آن پس دکتر کاتوزیان سال‌های زیادی در دانشگاه تهران مشغول به تدریس و تربیت دانشجویان زیادی در رشته حقوق پرداخت. ایشان دروس زیادی را در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشکده حقوق دانشگاه تهران تدریس می‌کرد. در ۱۴ بهمن ۱۳۸۳، محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران، نشان درجه یک فرهنگ و هنر را به او اهدا کرد.

از چهارواو، پرهیزکن، وکالت، ودیعه، وصایت و وقوف)) نه این که این‌ها زشت است که باید پرهیز کرد؛ بلکه آنقدر مهم است که باید با احتیاط نزدیک شد چون ممکن است بسوزاند.

قدر متیقن این‌ها، امانت است. وکیل امین است برای موکل و برای ملت. وکالت به نظر من شغل خصوصی نیست هرچند دولتی هم نیست و خدمتی عمومی است. از این امانت ملی و امانت در برابر موکل، قواعدی استخراج می‌شود که می‌توان آن را اخلاق وکالت یا آیین وکالت نامید. اگر چنین آیین‌نامه‌ای برای وکلا باشد بسیار مفید است. مطلبی بنده تهیه کرده‌ام که دارای ۴ قسمت است، در رابطه با موکل و دادرسی و جامعه و قاضی.

در رابطه با موکل؛ اولین وظیفه وکیل این است که دست از گفتن چیزهای غلوآمیز و نشدنی بردارد. امانت اقتضا دارد که واقعیت به موکل گفته شود. وظیفه دوم در رابطه با موکل، لازم است نتایج امر وکالت را طوری که تشخیص می‌دهد به موکل اعلام کند و نگوید صددرصد برنده است. مثل جراح باید توضیح دهد و بگوید چه مسائلی ممکن است در ضمن دادرسی پیش بیاید و چه اشکالاتی ممکن است پیش بیاید و چقدر شانس دارد.

سومین وظیفه این است که اگر موکل خواست راه انحرافی انتخاب کند او را باز دارید که اگر غیر از این باشد با امانت ملت منافات دارد. نکته سوم دستمزد است. آیین‌نامه حق‌الوکاله را مشخص کرده است. به نظر من یک وکیل خوب رضایت موکل خود را جذب میکند و پول زیادی نمی‌گیرد.

در مورد رابطه وکیل با دادرسی، وکیل باید از پیچیده کردن دادرسی خود داری کند. وکیل باید از فنونی که بلد است برای راهنمایی قاضی استفاده کند نه پیچیده کردن و طولانی کردن دادرسی. قاضی نیاز دارد به هدایت و حمایت شما. خود من وقتی قاضی بودم از همین راهنمایی‌ها



استفاده می‌کردم. سعی کنید این امانت را قاضی هم حس کند. در رابطه با خود قاضی هم وکیل باید به قاضی احترام بگذارد. مسند قضاوت احترام دارد. در خارج هم قاضی و وکیل، با هر وضعیت علمی یا شخصیتی که باشد، وکیل قاضی را «عالیجناب» خطاب می‌کند. کار بدی نیست که وکلا و قضات با لباس رسمی در دادگاه حاضر شوند.

◀ در رابطه وکیل با اجتماع، از وکیل این توقع می‌رود که با لباس مناسب در مجامع عمومی حاضر شود و باید در جامعه، شأن وکالت را حفظ کند. رفتار وکیل باید با قاضی احترام‌آمیز باشد اما تملق‌آمیز نباشد. وکیل در عین حال که نباید خود را کوچک کند، نباید تفاخر هم بکند. بگذارید جامعه خود به خود به شما احترام بگذارد. هرچه افتاده‌تر باشید مردم شما را ایستاده‌تر می‌بینند.

◀ رعایت مسائل فوق، مستلزم دو شرط است که در اختیار وکیل نیست. وکیلی می‌تواند به مقتضای امانت رفتار کند که هم امنیت شغلی و هم آزادی در دفاع داشته باشد که این دو به هم مربوط است. در هم‌پایش‌هایی که وکلا هستند، این دو چیز را فراموش کرده‌اند. در مورد امنیت شغلی در خصوص استقلال وکلا و مطالبی که در این زمینه هست و موضع کانون‌های وکلا صحبت زیاد شده است، اما در موضوع امنیت در دفاع، به میزان مناسب، صحبت نشده است.

◀ بعضی از وکلا به خاطر دفاع از موکل در زندان هستند و این انتظار می‌رود که وکلا و کانون‌ها از قوه قضاییه بخواهد که به پرونده وکلایی که بابت دفاع از موکل به زندان رفته‌اند امعان نظری بکند. بنده به‌شخصه و بعنوان اعلام از طرف جامعه وکالت، اگر اجازه می‌دهید، آزادی وکلایی که فقط به خاطر دفاع از موکلان در بازداشت هستند، از قوه قضاییه تقاضای آزادی ایشان می‌گردد.

◀ بخشی از سخن هم مربوط به قضات است. ممکن است وکلایی منطقی خلاف قضات باشند باید به این اختلافات زیاد بها داده نشود. مسائل اخلاقی و سیاسی و اجتماعی مثل جرائم دیگر نیست و اختلاف سلیقه‌ها نباید به نحوی باشد که آزادی وکیل در دفاع خدشه‌دار شود. من آنچه شرط بلاغ است می‌گویم، تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال.

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه الزهراء (س) با همکاری مؤسسه مشاهیردانش برگزار می‌کند:

مسابقه بزرگ حقوقی

(کتاب خوانی)

منبع: کتاب سریع خوان آیین دادرسی مدنی

به قلم: دکتر سید جعفری

تاریخ برگزاری مسابقه: هفته دانشجو ویژه دانشجویان کارشناسی سراسر کشور

مسابقه به صورت تستی و حضوری در سالن دانشگاه برگزار می‌شود.

جوایز نفرات برتر

جایزه نفر اول: ۵ میلیون تومان وجه نقد

جایزه نفر دوم: ۳ میلیون تومان وجه نقد

جایزه نفر سوم: ۲ میلیون تومان وجه نقد

و جایزه نفرات چهارم تا دهم: یک میلیون تومان موجودی کیف پول جهت ثبت نام کلاس‌ها و دوره‌های مجازی مؤسسه مشاهیردانش

دانشجویان محترم دانشگاه الزهراء جهت دریافت و تهیه کتاب منبع مسابقه با **۷۰ درصد تخفیف**، می‌توانند از طریق راه‌های ارتباطی زیر اقدام نمایند.

توجه



ثبت نام در
مسابقه



@arefealn



راه‌های ارتباطی: ۰۹۹۳۸۰۰۱۶۱۴

